

فهرست مطالب

بیانیه. قتل عام زنان و کودکان / صفحه ۲

ما زندگی را درس می‌دهیم آقا! / صفحه ۳

لشکرکشی‌های اسرائیل و کشتار مردم آیا پایانی دارد / علیرضا ثقفی / صفحه ۵

اطلاعیه جبهه خلق در منطقه غزه / پرچم سفید بلند نخواهیم کرد... / صفحه ۱۲

آرزوی یک دولت واحد برای طبقه کارگر فلسطین و اسرائیل / شهناز نیکوروان // صفحه ۱۳

هیچ چیز اینجا دیده نمی‌شود / صفحه ۱۸

جنبش زحمتکشان فلسطین برای استقلال / صفحه ۱۹

اشغال کارخانه تولید سلاح برای اسرائیل به دست معترضان بریتانیایی / صفحه ۲۷

سرکوب تظاهرات ضد صهیونیستی در پاریس و بروکسل / صفحه ۲۸

مقاومت در برابر اشغال اسرائیل می‌تواند و باید اشکال متفاوتی داشته باشد / سوزان ابوحوا/ صفحه ۲۹

اکولوژی و جنگ / سمیه صمیمی / صفحه ۳۱

دیوار / صفحه ۳۲

فلسطین برای من بهشت است / مصاحبه با لیلا خالد / صفحه ۳۳

مساله فلسطین و مبارزات هفتاد ساله در منطقه‌ی خاور میانه همواره تاثیر به‌سزایی در سرنوشت مردم منطقه داشته است. متاسفانه در چند دهه‌ی اخیر به دلیل دفاع بسیار بد از مبارزات مردم فلسطین از طرف حکومتگران در ایران و هم‌چنین بی‌اعتمادی مردم به تبلیغات رسانه‌ای حکومتی به نوعی وازدگی در میان مردم ما از مبارزات فلسطین به وجود آمده است.

از سوی دیگر در رسانه‌های جهانی نیز تنها به گونه‌ای تبلیغ می‌شود که انگار تنها حماس و جهاد اسلامی هستند که در حال مبارزه با اسرائیلند. مقاومت مردم و مبارزه‌ی گروه‌های مترقی در این رسانه‌ها به کلی سانسور می‌شوند.

اکنون در شرایطی قرار داریم که وضعیت اخیر جنگ‌های غزه چهره‌ی ضد مردمی حکومت اسرائیل را بیشتر نمایان کرد. از طرف دیگر مردم مقاوم فلسطین نشان دادند که در مبارزه برای به دست آوردن سرزمین خود، تنها به نیروهای خود متکی هستند و بنیادگرایان به رغم تمام تلاش برای انحراف مقاومت فلسطینیان و تصاحب مبارزات آنان نتوانسته‌اند. چندان جایگاهی در میان مردم فلسطین برای خود پیدا کند.

کانون مدافعان حقوق کارگر امیدوار است که با ارائه این مجموعه بتواند آگاهی رسانی لازم را در مورد مبارزات مردم فلسطین به کارگران و زحمتکشان ایران ارائه دهد.

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر

قتل عام زنان و کودکان در بمباران غزه جنایتی دیگر علیه بشریت

هزاران زن و کودک در بمباران هواپیماهای اسرائیلی در باریکه‌ی غزه به خاک و خون کشیده شدند. بیش از صد کشته و بیش از هزار نفر مجروح حاصل این بمباران بود. بیش از هفتاد سال است که حکومت بنیادگرای اسرائیل در منطقه خاورمیانه دست به جنایات هولناک می‌زند و نظام سرمایه‌داری جهانی از این جنایات دفاع می‌کند. قتل عام فلسطینیان در دیرباز، کفر قاسم و قتل عام‌های اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی در صبرا و شتیلا هیچگاه مورد بررسی صحیحی قرار نگرفت و این قتل عام‌ها به شکل بمباران‌های بی‌وقفه‌ی مناطق فلسطینی همچنان ادامه دارد. سرمایه‌داری جهانی که از یک طرف با تمام وجود از حکومت بنیادگرای اسرائیل حمایت می‌کند، از سوی دیگر به توسعه‌ی بنیادگرایی در سایر مناطق خاورمیانه می‌پردازد تا مبارزات مردم منطقه را برای رهائی از ستم این نظام همواره در کنترل خود بگیرد و از گسترش مبارزات آزادیخواهانه و ضد نظام سرمایه‌داری در این منطقه جلوگیری کند. بر کارگران و زحمتکشان است تا ضمن شناخت ترفندهای نظام سرمایه‌داری، با مبارزات مستقلانه‌ی خود و با فاصله گرفتن از هر نوع بنیادگرایی مذهبی و قومی تنها به به رهائی مردم منطقه بیایندیشند و ضمن منسجم کردن مبارزات آزادیخواهانه، جنگ‌طلبی‌های نظام سرمایه‌داری را که برای فرار از بحران‌های خود منطقه خاورمیانه را به خاک و خون کشیده است، محکوم کرده و با همبستگی‌های مبارزات کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم منطقه، بنیادگرایی را در هر شکل و شمایلی طرد کرده تا بتوانند در صلح و آرامش به بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ‌های هفتادساله در منطقه بپردازند. کانون مدافعان حقوق کارگر از تمامی نیروهای آزادیخواه و مستقل می‌خواهد تا صفوف خود را علیه تمامی جناح‌های سرمایه‌داری چه بنیادگرا و چه در شکل دموکراسی‌های تحمیلی فشرده‌تر کرده تا بتوانند زندگی انسانی و شرافتمندانه‌ای را برای مردم منطقه فراهم کنند.

ما زندگی را درس می‌دهیم آقا!

رفیف زیاده شاعر و فعال فلسطینی

من این شعر را زمانی نوشتم که غزه بمباران می‌شد. آن زمان من سخنگوی خبری ائتلاف بودم و سازماندهی زیادی می‌کردیم. تا شش صبح بیدار می‌ماندیم تا همه سرتیترهای اخبار را درست کنیم و آخر روز که می‌شد. اگر فلسطینی باشیم، می‌دانید که بیشتر فلسطینی‌ها وقتی خسته می‌شوند کم کم «پ» را «ب» تلفظ می‌کنند. برای همین در آخر روز ما به جای «فلسطینی»، «بلسطینی» می‌شدیم. من تمام شب را در حال تمرین کردن «پ»‌هایم بودم. و صبح روز بعد یکی از خبرنگارها از من پرسید: «فکر نمی‌کنی اگر به بچه‌هایتان اینقدر نفرت یاد ندهید، همه چیز درست می‌شود.» من به او فحش ندادم، واقعا مودب بودم، اما این شعر را نوشتم در جواب این طور سوال‌ها که ما فلسطینی‌ها همیشه دریافت می‌کنیم.

مکت، لبخند:

«ما زندگی را درس می‌دهیم آقا!»*

بدن من امروز نمایشی بود از قتل عام
امروز گزارشی بودم از کشتار
باید در لابلای تپترها جای می‌گرفتم
و در خفقان دایره‌ی باطلی از کلمات مجاز
سرشار از آمار و ارقام
تا از پس پاسخ‌های توجیه‌گر
اما و اگرهای نظاره‌گر برآیم

انگلیسی را خواندم و تمرین کردم
و تمامی قطع‌نامه‌های سازمان ملل را
بارها و بارها از حفظ خواندم
«خانم زیاده! اگر به کودکان‌تان این همه نفرت نمی‌آموختید
همه چیز، آری همه چیز، بهتر نمی‌شد؟»
لال می‌شوم...

در خودم در پی قدرتی بودم تا شکیبایی‌ام ننگه دارد
اما شکیبایی نه آن شرنگی است که بر زبانم جاری می‌شود
شکیب از من گریخته است...
از آن هنگام که بمب‌ها بر تن غزه آوار شده اند

شکیب از من گریخته است

لال می‌شوم...

لبخند...

«ما زندگی را درس می‌دهیم آقا!»

لبخند بزن رفیف! لبخند بزن!

لال می‌شوم...

«ما زندگی را درس می‌دهیم آقا!»

«ما فلسطینی‌ها، زندگی را درس می‌دهیم آقا!»

از آن هنگام که آخرین دریاچه‌مان از آسمان، اشغال شد...

ما زندگی را درس می‌دهیم...

از آن هنگام که دیوارها از زیتون زارها بالا رفت

از آن هنگام که شهرک‌های اشغالی نیش زد

از آن هنگام که آپارتایدی دیگر جان گرفت

درست با پایان آخرین تکه از آسمان مان

«خب! یک گزارش بنویس!

اما یک داستان بشردوستانه!

می‌دانی که فلسطین، دغدغه سیاست ما نیست.

پس یک داستان بنویس.

فقط از خودت و مردمت

دیگر کلمه‌های غیرواقعی آپارتاید و اشغالی را هم بر زبان نیاور.

می‌دانی که، مساله را نباید سیاسی کرد.

تو یک خبرنگاری!

پس داستان‌ها را جوری روایت کن تا بتونیم گزارش کنیم.

روایتی که سیاسی هم نباشد!

اما من امروز روایتی بودم از کشتار

«اصلا چطوره داستان زنی را بگی که در غزه نیاز به دارو داره؟»

اصلا داستان خودت رو بگو»

آیا با این همه درد، توان لاپوشانی داری؟

«اصلا از تعداد کشته‌ها بگو

اما حواست باشد

فقط در ۱۲۰۰ کلمه»

امروز من گزارشی بودم از کشتار

امروز گزارش تصویری بودم از قتل عام

گزارشی در ۱۲۰۰ کلمه

با کلماتی مجاز

۱۲۰۰ کلمه‌ی سرد و یخ زده، بی طرفانه، حرفه‌ای

و باید بیدار می‌کرد

همه‌ی آنانی که با صدای لالایی ضجه‌های ما به خواب رفته‌اند.

آری آنها، آه از نهادشان برآمد

قلب‌شان به درد آمد

برای آن همه گاوهای وارداتی ما در غزه، که تلف می‌شدند زیر بمب‌ها

...

آمارها و قطع‌نامه‌های سازمان ملل را پی در پی تحویل‌شان می‌دهم

آنها سر تکان می‌دهند

محکوم می‌کنند

تأسف می‌خورند

اما

نمی‌پذیرند

و جنگ ادامه دارد...

در دو جبهه نابرابر

اشغال‌گر و اشغال‌شده

۱۰۰ کشته

۲۰۰ کشته

و هزار کشته

میان هیاهوی جنایت و قتل عام

کلمات را کنار هم می‌چینم و لبخند می‌زنم

زهرخند...

«عادی و متعارف»

لبخند «جذاب غیر تروریست‌ها»

و باز ارقام و آمار دوره ام می‌کنند

۱۰۰ کشته

۲۰۰ کشته

و هزار کشته

آیا هنوز کسی در غزه، زنده

آری "زنده" مانده است؟

آیا صدای مرا خواهند شنید؟

ای کاش می‌توانستم بر بدن‌های سردشان زار بزیم

ای کاش پاهای برهنه‌ام بار دیگر، اردوگاه‌ها را لمس می‌کرد

ای کاش می‌توانستم همه کودکان غزه را در آغوش بفشارم

گوش‌هاشان را با دستانم بپوشانم

تا هیچ وقت

دیگر هیچ وقت، صدای غرش بمب‌ها در گوش‌شان فریاد نکند

آن گونه که هر روز در سرم هلهله می‌کنند

امروز گزارش تصویری بودم از قتل عام

...

پس بگذارید همین‌جا فریاد بزیم

قطع‌نامه‌های بین‌المللی بشردوستانه‌تان هرگز کاری نکردند

و هیچ سرتیتری

هیچ سرتیتری دیگر نمی‌تواند

هرقدر هم انگلیسی‌ام قوی باشد، هرقدر هم در کارم حرفه‌ای باشم

باز هم هیچ سرتیتری

هیچ سرتیتری

هیچ سرتیتری

توان زنده کردن‌شان را ندارد

هیچ سرتیتری

غزه ام را از نو آباد نخواهد کرد.

«ما زندگی را درس می‌دهیم آقا!»

«ما فلسطینی‌ها

هر روز صبح

بیدار می‌شویم

تا به تمامی دنیا

زندگی را درس بدهیم

آقا!»

* متأسفانه این ترجمه بدون اسم مترجم به دست ما رسیده است و به

این دلیل اسم مترجم نیامده است.



لشکرکشی‌های اسرائیل و کشتار مردم آیا پایانی دارد

علیرضا ثقفی

این جانیان / از کشته‌ها پشته ساختند / و از پشته‌ها انبار /
کودکان و زنان و سالخورده‌گان را / رویهم تلنبار کردند / و
سپس اسوده خاطر به آن طرف مرز عقب نشستند / تا بار
دیگر هر زمان که لازم بدانند / تکرار کنند

اکنون که اسرائیلیان با به جای گذاردن یک سرزمین سوخته به لانه‌هایشان برگشته‌اند و باریکه غزه را برای چندمین بار به صورت ویرانه‌ای به ساکنانش واگذارده‌اند، می‌توان با دیدی روشن‌تر به اصل ماجرا پرداخت. این چندمین بار است که در چند دهه‌ی گذشته آنان هر از چندگاه یک بار به بخش‌های مختلف فلسطین یا جنوب لبنان، سوریه و غیره حمله می‌کنند. هر که را که می‌خواهند دستگیر می‌کنند، هر خانه‌ای را که می‌خواهند ویران می‌کنند و هر قسمتی را که صلاح خودشان می‌دانند با خاک یکسان می‌کنند و در جای آن شهرک‌های یهودی‌نشین می‌سازند، کودکان و زنان و سالخورده‌گان را می‌کشند، حمام خون به راه می‌اندازند و پس از چندی به لانه‌های خود باز می‌گردند تا این ویرانی‌ها را مردم منطقه جبران کنند. آنگاه مدعی می‌شوند که از خود دفاع کرده‌اند.

جالب‌تر آن است که حکومت‌ها و دولت‌های نظام سرمایه‌داری و به خصوص آمریکا و اروپا و اخیراً چین و روسیه با پشتیبانی کامل از این اعمال و با تامین ساز و برگ کافی برای اسرائیل و حمایت از او در سازمان‌های بین‌المللی، مهر تایید بر اعمال اسرائیل می‌زنند. در همین مدت اشغال غزه و ویران کردن زیرساخت‌های آن، پلیس اسرائیل تعدادی از نمایندگان پارلمان فلسطین در کرانه باختری را دستگیر کرد و همراه با آنان حدود ۳۰۰۰ نفر را به زندان‌های اسرائیل فرستاد و هم اکنون ۳۴ نفر از اعضای پارلمان فلسطین همراه با افرادی همانند مروان برغوثی، جانشین عرفات و احمد سعد، جانشین جرج حبش در زندان‌های اسرائیل هستند و این عده همراهند با خیل رزمندگان فلسطینی که زندان‌های اسرائیل را پر کرده‌اند. بسیاری از این دستگیری‌ها در کرانه غربی روی داده است که از آنجا هیچ موشکی به اسرائیل پرتاب نشده است. در حمله به تظاهرات مسالمت‌آمیز فلسطینیان در کرانه باختری بیش از ده فلسطینی کشته شدند و بیش از ۲۰۰ نفر زخمی و این در حالی بود که آنها تنها به قتل‌عام در غزه به صورت مسالمت‌آمیز اعتراض کرده بودند مساله اصلی آن است که این جنگ نه در غزه بلکه در ساحل

غربی آغاز شد و آن زمانی بود که ارتش اسرائیل، بدون ارائه هیچ دلیلی ادعا کرد که فلسطینی‌ها مسئول ناپدید شدن و سپس مرگ سه شهرک‌نشین اسرائیلی هستند و سپس در اوج حمله به غزه، پلیس اسرائیل اعلام کرد که حماس در این آدم‌ربائی نقشی نداشته است. خبری که در هیاهوی رسانه‌ای گم شد و بیشتر شبیه به بهانه‌ی حمله آمریکا به عراق بود که ابتدا اعلام شد به خاطر نابودی سلاح‌های کشتار جمعی است که در اختیار صدام است و در بحبوحه اشغال عراق، پس از کشته شدن صدها هزار نفر اعلام شد که هیچ گونه سلاح کشتار جمعی در عراق یافت نشد.

این اولین بار نیست که قدرت‌های استعمارگر و سلطه‌طلب به بهانه‌های واهی برای توسعه‌طلبی به کشورها و مردم سرزمین‌های دیگر حمله می‌کنند، به بهانه نقض فلان ماده از فلان معاهده نامه‌ای که خود با زور و اجبار به کشورهای دیگر تحمیل کرده‌اند. اسرائیل با بهانه کشته شدن سه جوان شهرک‌نشین ابتدا کارزاری را در ساحل غربی آغاز کرد. در همان زمان، تنبیه جمعی را در سراسر این منطقه به راه انداخت. اسرائیل به بیش از ۳۰۰۰ خانه حمله کرد، بسیاری از آن‌ها را ویران ساخت، از مردم پول دزدید و مبلمان خانه‌ها را نابود ساخت. نیروهای اسرائیلی خشونت گسترده‌ای را علیه فلسطینی‌ها در ساحل غربی آغاز کردند و استفاده از فشنگ‌های جنگی و تیراندازی با تفنگ علیه اعتراض‌کننده‌های بی‌سلاح را زمانی آغاز کردند که اعتراضاتی علیه ربودن محمد ابوخیدر صورت گرفت. وی از سوی شهرک‌نشین‌های اسرائیلی مورد شکنجه واقع شده و زنده زنده به آتش کشیده شده بود. این امر به گسترش جدی اعتراض‌ها در سراسر ساحل غربی منجر شد."

نزدیک به ۷۰ سال از اشغال فلسطین سرزمین وعده داده شده به یهودیان توسط دشمنان مردم و انسانیت می‌گذرد و در طی این سال‌ها حکومت دست نشانده انگلیس و آمریکا و قدرت‌های سرمایه‌داری جهان به کشتار و قتل و عام مردم فلسطین می‌پردازند با حمایت‌های نظامی، مالی و اقتصادی و در مقابل فلسطین خون می‌گرید بدون آن که جز مردم به ستوه آمده از ستم سرمایه‌داری حامی داشته باشد.

نزدیک به هفتاد سال است که منطقه خاورمیانه در جنگ و خونریزی به سر می‌برد. این جنگ و خونریزی هرچند که هفتاد ساله شده است اما ریشه آن به تقسیمات استعماری جنگ جهانی اول برمی‌گردد که در آن دولت بزرگ استعماری وقت تصمیم به ایجاد منطقه یهودی‌نشین در خاورمیانه گرفت. این تصمیم با اعلامیه موسوم به بالفور وزیر خارجه وقت انگلیس برای تشکیل قسمت یهودی‌نشین در خاورمیانه امضا شد. این بخش در میان کشورهایی قرار داشت که با شکست امپراطوری عثمانی و از هم پاشیدن آن به چندین کشور تقسیم شده بود.

با استقرار اسرائیل پس از جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۸ اولین جنگ‌ها میان اعراب و اسرائیل به راه افتاد و از آن پس در جنگ‌های متعدد با تقویت بنیادگرایی یهودی در منطقه احساسات مذهبی و قومی را تقویت کرد و به تدریج بنیادگرایی اسلامی در منطقه تقویت شد. این استقرار از ابتدا با قتل عام و کشتار فلسطینیان همراه بود و اسرائیلیان و حامیان آنان تنها با قتل‌عام‌هایی نظیر دهکده دیر یاسین و کفر قاسم و... توانستند فلسطینیان را از خانه‌های خود بیرون برانند و سرزمین‌های آنان را اشغال کنند.

جنگ‌های ۱۹۵۸ در جریان ملی شدن کانال سوئز و جنگ‌های ۱۹۶۷ برای تصرف کرانه غربی و نوار غزه و صحرای سینا و بلندی‌های جولان و سپس جنگ‌های ۱۹۷۳ برای تصرف کانال سوئز ...

اما این تنها جنگ‌های منطقه از آغاز استقرار اسرائیل نبود. بلکه این استقرار و تقویت فرقه‌گرایی و بنیادگرایی مذهبی تبعات بسیار دیگری نیز برای منطقه خاورمیانه به همراه داشت. جنگ‌های بی‌پایان لبنان و یمن و جنگ‌های هشت ساله ایران و عراق و قتل‌عام‌های صبرا و شتیلا و سپس جنگ‌های سی ساله و بی‌پایان افغانستان و اکنون سوریه، عراق، کردستان و... همگی محصول فرقه‌گرایی و بنیادگرایی مذهبی در هفتاد سال گذشته است که ریشه تمام آنها را باید در سیاست‌های اتخاذ شده نظام سرمایه‌داری جهانی در منطقه خاورمیانه دانست و در هر کدام که دقیق شده و ریشه‌ها را بررسی کنیم دستان آلوده سرمایه داری جهانی و کارتل‌های نفتی و نظامی را مشاهده خواهیم کرد.

جالب است که سیاست‌های استعماری همچنان به منطق خود ادامه می‌دهند. مثلاً هم چنانکه از وجود کشور یهود در فلسطین دفاع می‌کنند به خصوص پس از جنگ دوم جهانی، اما هیچ‌گاه از وجود آلمان برای ژرمن‌ها و یا انگلیس برای آنگلو ساکسون‌ها و ... دفاع نمی‌کنند بلکه بر عکس در کشورهای متر پل بیشتر به دنبال تشکیل اتحادیه اروپا، یا گروه‌های جی ۷ و جی ۸ و جی ۲۰... هستند. اما همین سیاستمداران وقتی به کشورهای خاورمیانه می‌رسند که منابع انرژی آنها را لازم دارند، به دنبال تقویت بنیادگرایی و قوم‌گرایی هستند. در اروپا باید انواع مسیحیان و یهودیان و مسلمانان و ده‌ها پیرو ادیان دیگر در کنار هم زندگی کنند، اما وقتی به خاورمیانه می‌رسند شیعه و سنی باید از یکدیگر جدا باشند و منطقه‌ای جدا داشته باشند و کرد و فارس بهتر است از هم جدا باشند و... ترک‌ها نیز بهتر است در ترکیه و غیره برای خود کشوری جدا داشته باشند. در این میان برخی به اصطلاح روشنفکران عجیب و غریب با ریختن چنین آب‌هایی به آسیاب سرمایه‌داری از جدایی‌های منطقه ای دفاع می‌کنند.

استعمارگران انگلیسی با تجربه ۲۰۰ ساله از حاکمیت استعماری در آسیا و آفریقا، تنها راه تداوم سلطه بر منطقه نفت خیز خاورمیانه را که میراث از هم پاشیدن امپراطوری عثمانی بود، تقویت بنیادگرایی و به راه انداختن جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی می‌دانستند. زیرا که در این زمان اهمیت انرژی فسیلی (نفت) برای تمام دنیا آشکار شده بود و هر آن کس که نفوذ بیشتری در منطقه نفت‌خیز خاورمیانه می‌داشت، سلطه خود را بر جهان سرمایه‌داری در آینده تضمین کرده بود. اختلافات فرقه‌ای و مذهبی تجربه‌ای بود که استعمارگران انگلیسی توانسته بودند با به کارگیری آن مدت ۲۰۰ سال بر هندوستان حکومت کنند. آن‌ها در تجربه استعمار هندوستان دریافته بودند که مهم‌ترین وسیله برای حفظ سلطه خود در یک منطقه تقویت قوم‌گرایی و فرقه‌گرایی و به راه انداختن جنگ‌های مذهبی و گسترش تعصبات مذهبی است و این تجربه‌ای است که می‌توان سال‌ها از آن استفاده کرده و حاکمیت استعماری را تداوم بخشید.

اما اهمیت اعلامیه بالفور در آن بود که در ۱۹۱۴ یک نوع پایه‌گذاری جدا کردن قومی و مذهبی را آغاز می‌کرد. اهداف استعماری آن در یکی از همایش‌های صهیونیست‌ها در لندن برای حمایت از اعلامیه بالفور در ۱۹۱۷ بیان شده است. لرد روبرت سیسیل، از اعضای پارلمان انگلیس در این همایش گفت:

"برای من مایه بسی خوشوقتی است که به دعوت کسانی که نمایندگی جنبش صهیونیستی یا رهبری این جنبش را برعهده دارند در این همایش حضور یافته‌ام. من از صمیم قلب این رویداد بزرگ را به شما که امروز آن را جشن گرفته‌اید شادباش می‌گویم.

اجازه می‌خواهم تا ضمن عرض شادباش نه تنها از تلاش‌های رئیس فدراسیون صهیونیست‌های انگلیس، بلکه از مساعی آقای ناهوم سوکولوف^۱ و دکتر وایزمن، در راه تحقق آرمانی که در قلب تمامی حاضران در این همایش جای دارد، تجلیل کنم. بدون شک تمامی ما بر اهمیت این همایش واقفیم. مهم‌ترین مسأله، در این همایش، مسأله آزادی است. ما نه تنها به چندین هزار یهودی که در اینجا اجتماع کرده‌اند شادباش می‌گوئیم بلکه به نمایندگان نژادهای عرب و ارمنی هم که در این مبارزه بزرگ برای کسب آزادی شرکت دارند خیر مقدم می‌گوئیم.

آرزوی ما این است که کشورهای عرب به اعراب، ارمنستان به ارمنه و یهودیه به یهودیان تعلق داشته باشد. (۱)

آری این آرزو برای ارتجاعی‌ترین بخش سرمایه‌داری، آرزویی دیرینه است تا از آن طریق بتواند تسلط خود را بر سرمایه‌ها حفظ کند تا سرباز آلمانی را برای فتح دنیا تحریک و تجهیز کند، تا ناسیونالیسم افراطی را جایگزین مبارزات طبقاتی گرداند.

آزادی بی قید و شرط اتحادیه‌های کارگری در مناطق خودمختار نشان از نوعی فرهنگ پیشرفته در میان مبارزان است. (۲)

در اوج این کشتار کمک ۲۲۵ میلیون دلاری کنگره آمریکا به دولت اسرائیل حاکی از تایید کامل کشتار و جنایات این رژیم بود که خطی مستقیم از هفتاد سال گذشته است و بیانگر آن است که برای حفظ این حالت موجود نظام سرمایه داری با همه توان ایستاده است .

اما تلاش برای راه‌اندازی جنگی مذهبی و جلوه آن به صورت بنیادگرایی قومی و مذهبی در میان نیروهای ارتجاعی هم‌چنان ادامه دارد.

یکی از واحدهایی که در عملیات غزه شرکت کرده است، گردان حیواتی است. فرمانده این گردان قبل از آغاز عملیات زمینی چیزی همانند «پیام رزمی» برای سربازانش تهیه کرد. در این «پیام» از جمله آمده بود که "وجود حماس توهین و تحقیر خداوند قوم اسرائیل است" و این عملیاتی است علیه "دشمنی که خداوند را تحقیر می‌کند." کلمات "خداوند قوم اسرائیل" در انجیل آمده است. در اصل داود پیامبر دشمنش گولیات را با این کلمات مورد خطاب قرار می‌دهد. این امر روشن است که اسرائیل تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا حماس و جهاد اسلامی را دشمن خود معرفی کند. در حالیکه اساسا به وجود آمدن حماس و جهاد اسلامی در ابتدا توسط اسرائیل تشویق می‌شد تا بتوانند نیروهای چپ و انقلابی همانند جبهه خلق برای آزادی فلسطین را که دارای اعتبار زیادی بود به عقب برانند.

عملیات "صخره‌ی پایدار" (صخره سخت نام عملیات اسرائیل در غزه) ظاهراً بدون هیچ منظوری- در تقویم تاریخی یهودی موقعی اتفاق می‌افتد که اسرائیلیان آن را «روز رانده شدن» می‌نامند. روزهایی مابین تسخیر اورشلیم توسط رومی‌ها و تخریب دومین معبد یهودی‌ها.

در برابر، نیروهای بنیادگرای اسلامی نام عملیات خودشان را "بنیان مرصوص" و "عصف ماکول" گذاردند که هردو بر گرفته از آیات قرآن برای جدال و قتال صدر اسلام است.

" إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ " (خداوند کسانی را که محکم و استوار در راه او می‌جنگند دوست دارد)

و یا سوره اصحاب فیل و ابرهه که به خانه کعبه حمله کرد " و جعلها كعصف ماکول" (که حمله کنندگان به خانه کعبه را از روی فیل سرنگون می‌کردند و به صورت پرکاه در می‌آوردند).

آقای یووال دیسکین که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ ریاست سازمان امنیت داخلی اسرائیل (شین بت) را به عهده داشت، در باره‌ی

این سیاست‌های استعماری بود که ابتدا تقسیم‌بندی کرده‌ها را در چهار کشور به رسمیت شناخت و سپس با راه انداختن جنگ‌های منطقه ای در این بخش از خاورمیانه همواره آتش جنگ‌های استقلال طلبانه را گرم نگه داشت تا هر زمان که لازم باشد از آن استفاده لازم را ببرد .

اما راه حل مسائل چیست آیا باید این وضع را تحمل کرد و هیچ راه چاره ای نیست یا می‌توان به فکر چاره بود و..

این مطلب را در این جا رها کرده و دو باره به آن باز می‌گردیم.

جالب توجه آمار کشته‌شدگان اخیر در جنگ غزه است. بنا به گفته مکرر خبرگزاری‌ها و افراد معتبری همانند مصطفی برغوثی، نویسنده فلسطینی، بیش از ۹۰ درصد از کشته شدگان فلسطینی افرادی غیرنظامی بودند و تنها ده درصد آنان را نظامیان تشکیل می‌دادند. در حالی که در جانب اسرائیل این آمار بر عکس بوده و تنها ده درصد کشته‌شدگان اسرائیل را غیرنظامیان تشکیل می‌دهند. این آمار بیانگر آن است که نیروی مقاومت فلسطینیان با تجربیات چند ده ساله در امر مقاومت تنها نیروهای نظامی را هدف قرار می‌دهند و از هدف قرار دادن نیروهای غیر نظامی پرهیز می‌کنند اما نیروی مهاجم و اشغالگر می‌خواهد با کشتار غیر نظامیان و به گروگان گرفتن زنان و کودکان سالخورده‌گان، رزمندگان مقاومت را از مبارزه باز دارد. امری که تمام جنایتکاران تاریخ و تمام تجاوزگران به یکسان از این حربه استفاده می‌کنند. در برابر، حقانیت نیروی مقاومت آن است که تنها نظامیان جنایت کار و آدم‌کشان را هدف قرار می‌دهد. البته ممکن است عوام‌فریبان نظام سرمایه داری چنین استدلال کنند که این کشور اسرائیل است که برای حفاظت جان مردم غیرنظامی ارزش بیشتر قائل است. این استدلال آن قدر مسخره است که بگوییم تمام آدمکشان و جلاخان تاریخ به خاطر انسان‌دوستی دست به کشتار انسان‌ها زده‌اند. این استدلال با ربودن و کشتن سه نوجوان اسرائیلی که بهانه همین حملات است نقض می‌شود و نشان می‌دهد که اتفاقاً شهرنشینان اسرائیلی چقدر بی‌دفاع هستند و ده‌ها نمونه دیگر نیز برای اثبات این امر وجود دارد. کشتن شهرنشینان عادی اسرائیلی برای رزمندگان فلسطین هیچ‌گاه هدف نبوده است. این امر بدان خاطر است که در میان مبارزان فلسطینی از ابتدای مبارزه مسلحانه پس از استقرار اسرائیل همواره یک فرهنگ انقلابی حاکم بوده است که کشتار مردم بی‌دفاع را منع می‌کرده و حتی بنیادگرایی رشد یافته در میان فلسطینیان هیچ گاه با بنیادگرایی طالبانی و القاعده‌ای و داعش قابل مقایسه نبوده است و تمام تلاش نیروهای بنیادگرا برای گسترش افراط گرایی در میان فلسطینیان به نتایج دلخواه نرسیده است. دلیل آن هم وحدت نظر فلسطینیان در مقابله با اسرائیل و انتخابات نسبتاً آزاد در سر زمین‌های اشغالی است. هم چنین

بنیادگرایی و چه به صورت نئولیبرال‌ها در شکل و شمایل دموکراسی‌های تحمیلی همانند مصر و ترکیه و افغانستان و عراق و... که هر دوی آنها دو روی یک سکه هستند، برنامه دراز مدت نظام سرمایه‌داری برای کنترل منطقه حیاتی است، تا استثمار وحشیانه مردم منطقه ادامه داشته باشد.

تنها راه‌حل نیروهای انقلابی برای منطقه حکومت‌های دموکراتیک مردمی است که با دموکراسی‌های تحمیلی قدرت‌های غربی مغایرتی اساسی دارد. این امر برای فلسطین و اسرائیل می‌تواند به صورت یک حکومت، یک دولت برخاسته از وحدت کارگران و زحمتکشان یهودی و مسلمان و بدون در نظر گرفتن مذهب، در برابر نیروهای طرفدار استثمار و بهره‌کشی سرمایه‌داری باشد که از هم اکنون زمینه‌های آن در میان مردم زحمتکش اسرائیل و فلسطینیان دیده می‌شود. حمایت‌های نهادها و کارگران و زحمتکشان حتی در کشورهای غربی از آن آشکار است.

و برای سایر کشورهای منطقه، ضرورت هم‌امنگی مبارزات کارگران و زحمتکشان برای ایجاد جامعه‌ای آزاد و رها از قیدو بندهای نظام رو به زوال سرمایه‌داری است.

منطقه خاورمیانه در دهه‌های هفتاد قرن گذشته مرکز رشد نیروهای چپ و انقلابی بود. به گونه‌ای که تمام مبارزان فلسطین و منطقه دارای فرهنگ پیشرو چپ و کارگری بودند. جایگزینی نیروهای بنیادگرا که در حقیقت سراب مبارزه مردم منطقه بود با ترفندهای رنگارنگ نظام سرمایه‌داری جهانی صورت گرفت. این ترفندها بر بستر نقاط ضعف نیروهای کارگری توانست مبارزات مردم منطقه را برای سال‌ها به قهقرا برگرداند. اما در سال‌های اخیر وضعیت نیروهای مبارز در فلسطین نیز تغییر کرده است. اکنون و در این جنگ‌های اخیر، نیروهای بنیادگرای حماس و دیگران تنها ۳۰ درصد مبارزان را تشکیل می‌دادند در حالی که نیروها چپ و مترقی نزدیک به ۷۰ درصد فضای مبارزه را در اختیار داشتند. (۳) این امر در تغییر و تحولات اخیر میان گروه‌های فلسطینی آشکار است بر طبق توافقات سال گذشته میان کرانه باختری و نوار غزه، دیگر حماس و غزه به صورت بخشی جدا از کرانه غربی نیست. این تغییر و تحولات در منطقه نقشه‌های اسرائیل و بنیادگرایان را تا حدود زیادی خنثی کرده است، هر چند تا افشای کامل این ترفندها هنوز فاصله‌ای را باید طی کرد. اما افشای قلابی بودن مبارزات بنیادگرایان برای مردم منطقه مدتی است، آغاز شده است و بر نیروهای مبارز کارگری و انقلابی است که در این امر با پیش گرفتن مسیر صحیح مبارزه به تدریج صف مبارزان انقلابی را از بنیادگرایان جدا کنند امری که در کشورهایی همانند ترکیه صورت گرفته و تا حدودی افغانستان و عراق و سوریه نیز ابتدای این راه قرار دارند.

این‌گونه گروه‌های مذهبی - فاشیستی اسرائیلی می‌گوید: " حتی در نوع قتل هم فرق وجود دارد. مثلاً آدم می‌تواند همانند فلسطینی‌ها که سه نوجوان یهودی را با گلوله به قتل رسانده و زیر سنگ‌ها دفن کردند، عمل بکند یا همانند قاتلین یهودی نوجوان فلسطینی، ابوخصیر، که ریه‌ی او را با بنزین پر کرده و زنده زنده آتشش زدند، عمل کند." (به نقل از مصاحبه‌ی نامبرده با مجله‌ی اشپیگل (۲۰۱۴-۳۰))

به نظر می‌آید که امروزه زحمتکشان و کارگران و اقشاری که خود تحت ستم نظام سرمایه‌داری هستند به خوبی درک کرده‌اند که بنیادگرایی در خاورمیانه چه جنایاتی را مرتکب می‌شود، از همین رو است که حکومت‌های سرمایه‌داری دیگر نمی‌توانند همانند گذشته بر مظلومیت یهودیان آواره تاکید کنند.

این جنگ‌های خانمان برانداز و این درگیری‌ها هفتاد ساله که گویا تمامی ندارد، اکنون به نظر می‌رسد که ندهای مخالفت را در میان بسیاری از نیروهای مستقل و مخالفان جنگ در سراسر جهان برانگیخته است. در میان جریان‌ات روشنفکری و چپ در خودِ خاور میانه هر چند با تقویت بنیادگرایی در چند دهه اخیر تضعیف شده‌اند، اما ندهای مثبت و گرایش‌ات مترقی در حال رشد و شکوفایی است و در میان سایر مردم کشورهای سرمایه‌داری اکنون نیز نیروهای مترقی دارای ندهایی با پزواک بلندتر شده‌اند که برای مقابله با بنیادگرایی و حکومت‌های مذهبی زمینه‌های بهتری فراهم آورده است. امروزه دیگر جریان‌ات بنیادگرا در سراسر خاورمیانه نیروهای ایدئولوژیک خود را از دست داده‌اند و تنها به کمک‌های کشورهای همانند عربستان و قطر و امثالهم وابسته هستند که آشخور آنها هم قدرت‌های مسلط سرمایه‌داری، آن هم از ارتجاعی‌ترین جناح‌های محافظه کار و نظامی هستند. اکنون زمینه برای فعالیت‌های دموکراتیک و چپ از هر زمان دیگر در چهار دهه گذشته فراهم تر است. در شرایط حاضر نه تنها همدردی مردمی در کشورهای سراسر جهان برای یهودیان قتل عام شده جنگ جهانی دوم وجود ندارد، بلکه امروزه مردم سراسر جهان اسرائیل را کشوری غاصب و دارای رژیم آپاتاید می‌دانند.

جنبش بایکوت اسرائیل در سراسر جهان در حال رشد است. این جنبش که به مدد مبارزات نیروهای چپ و دموکراتیک و مبارزان فلسطینی در سراسر جهان گسترش یافته است، هواداران و حامیان اسرائیل را به وحشت انداخته است.

اما مهم‌تر از همه راه‌برون رفت از این وضعیت، وحدت نیروها چپ و کارگری در سطح منطقه خاورمیانه برای مقابله با تسلط نظام سرمایه‌داری است که برای به غارت بردن منابع انرژی این منطقه حساس از جهان هم چنان از نیروهای ارتجاعی حمایت می‌کند. هیچ راه دیگری وجود ندارد. این نیروهای ارتجاعی چه به صورت

این جنگ علیه فلسطینی‌ها در غزه، ساحل غربی، اورشلیم شرقی و فلسطینی‌ها به طور کلی است. ذکر این نکته اهمیت زیادی دارد که اکثر افرادی که از تجاوزهای اسرائیل صدمه می‌بینند غیرنظامی‌ها هستند. ۳۱ درصد کشته‌ها و زخمی‌ها کودکان هستند. بیش از ۳۰ خانواده از فهرست مدنی خط خورده‌اند. چون تمام اعضای خانواده، شامل پدر، مادر، پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، فرزندهای ارشد، همه متلاشی شده‌اند. این نوع از نابودی افراد، این سطح از حمله، چیزی جز یک قتل عام، یک نسل کشی نیست که از سوی اسرائیل عملی می‌شود.

اسرائیل صدها هزار نفر را به خالی کردن خانه‌ها وادار کرده است، آن‌ها را با بمباران وادار به ترک منزل‌هایشان کرده‌اند. حدود ۱۳۰۰۰ خانه به کلی و یا بخشی از آن‌ها ویران شد، هزارها نفر همه چیز خود را، لباس‌ها، متعلقات یک عمر خود و یادگارهایشان را از دست داده‌اند و اکنون، صدها هزار نفر یک بار دیگر آواره شده‌اند، برخی بدون هیچ وسیله‌ای در مدرسه‌ها زندگی می‌کنند. اگر جنگ پایان پذیرد، زمانی که آن‌ها به خانه‌هایشان باز گردند، چیزی جز آوار نخواهند دید.

محلله‌هایی مانند شجاعیه در عرض ۲۴ ساعت کاملا ویران شدند. حتی بیمارستان‌ها مورد حمله قرار گرفتند. تا کنون، ارتش اسرائیل بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی را ویران کرده است.

احساس بی پناهی طاقت‌فرسا است چون هزاران هزار نفر امروز در غزه، هزارها مادر و پدر از حفاظت از فرزندهای خود ناتوانند. بسیاری شاهد کشته شدن کودکان خود بوده‌اند، بسیاری بریده شدن سر فرزندان خود را در اثر گلوله‌های اسرائیلی دیده‌اند.

بیش‌رمانه‌ترین گفتار آن است که برخی از رهبران کشورهای متروپل سرمایه داری، مانند انجلا مرکل و باراک اوباما از حق اسرائیل برای دفاع از خود، سخن می‌گویند.

ارتش اسرائیل که احتمالا چهارمین ارتش پر قدرت جهان است، که به غیر نظامی‌ها در یکی از فشرده‌ترین حوزه‌های جمعیتی جهان، (که ۱.۸ میلیون نفر در محلی کوچک‌تر از ۴۰۰ کیلو متر مربع زندگی می‌کنند، یعنی تقریبا ۱۲۰۰۰۰ نفر در هر مایل مربع) حمله می‌کند، چون اسرائیل ۴۴ درصد غزه را ناامن اعلام و با بمباران خانه‌ها این پیام را دیکته کرد. این ۱.۸ میلیون نفر با نیروی هوایی قدرتمند، کشتی‌های بسیار قوی و توپخانه مورد حمله قرار گرفته‌اند، در حالی که این افراد ابزارهای بسیار ابتدایی برای دفاع از خود دارند.

عنصری که تقریبا همیشه مورد غفلت قرار می‌گیرد مساله محاصره غزه است. محاصره غزه هشت سال ادامه داشته است و سبب غم‌انگیزترین بحران انسانی نه تنها در این منطقه بلکه احتمالا در

مبارزان منطقه به طور قطع در این مسیر تنها نخواهند بود و نیروهای کارگری و مبارز در سراسر جهان آنان را یاری خواهند کرد. هم چنان که در مبارزات اخیر مردم فلسطین کمک‌های بین‌المللی اعم از اعتراضات و تجمعات و بایکوت اسرائیل توسط روشنفکران و حتی دانشمندان و دانشگاهیان مستقل ادامه داشته است.

امروز دیگر مسلط شدن نیروهای بنیادگرا در برخی کشورها و افول زندگی مردم وهم چنین سرکوب‌های شدید نیروهای مردمی در این کشورها، حنای بنیادگرایی را در نزد مردم منطقه بیرنگ کرده است. از همین رو است که دیگر بنیادگرایی جز با اسلحه و پول قدرت‌های بزرگ منطقه نمی‌تواند عرض و اندامی داشته باشد.

اکنون بار دیگر به جنگ در غزه باز می‌گردیم تا ابعاد آن را روشن‌تر کنیم. جنگ در غزه به هیچ عنوان ابعاد یک جنگ کلاسیک میان دو دولت را ندارد. در این منطقه آب و برق به صورت منظم وجود ندارد. بر طبق آمارها این منطقه اساسا دارای یک اقتصاد مشخص نیست. نزدیک به دو میلیون نفر در مساحتی کمتر از ۴۰۰ کیلومتر مربع زندگی می‌کنند که اگر کمک سازمان‌هایی مانند ملل متحد یا فلسطینیان خارج نباشد، باید از گرسنگی بمیرند. زیرا اسرائیل آنان را در محاصره‌ی کامل قرارداده است و کشور مصر نیز با اسرائیل در این زمینه هماهنگی می‌کند. بیش از ۵۰ درصد از مردم غزه هیچ اشتغالی ندارند. در نتیجه ساکنان غزه چاره‌ای ندارند جز آنکه به یک اقتصاد زیر زمینی روی بیاورند و با تمام توان، با حفر تونل‌های زیر زمینی اولاً قوت لایموت تهیه کنند و در ثانی آنچه که از کمک‌ها به دست می‌آورند به خرید سلاح‌ها و یا ساخت آنها اقدام کنند تا برای دفاع از خود، ابتدایی‌ترین وسایل دفاعی را داشته باشند و البته که این مقاومت چندان هم بی‌نتیجه نبود زیرا بر طبق آمار منابع بی‌طرف توانسته‌اند حداقل یک صدو چهل سرباز مهاجم را از پای در آورند ...

اولین و مهم‌ترین نکته آن است که اسرائیل بود که این جنگ را آغاز کرد و نه فلسطینی‌ها.

این خیلی با آن چه در بسیاری از رسانه‌ها نمایش داده می‌شود فرق دارد و در اینجا پذیرش داستان‌سرای اسرائیل کاملا نادرست است. اسرائیلی‌ها ادعا می‌کنند که اسرائیل هدف راکت‌های پرتاب شده از غزه بود و با حمله هوایی پاسخ داد. این حقیقت ندارد. واقعیت آن است که اسرائیل حمله هوایی به غزه را برای چندمین بار آغاز کرد، مردم را در غزه کشت، تلاش کرد واکنشی را تحریک کند تا راکت‌ها به سوی اسرائیل پرتاب شوند و سپس، در رسانه‌ها طوری بازتاب پیدا کند که اسرائیل در حال دفاع از خود است.

نیستند. آن‌ها به اسرائیل راکت پرتاب نمی‌کنند، آن‌ها هیچ اسلحه‌ای برای دفاع از خود ندارند. با این حال آن‌ها مدام از سوی ارتش اسرائیلی کشته می‌شوند. بان کی مون دبیر کل سازمان ملل جرات اعتراض به اسرائیل را ندارد، حتی وقتی که مدرسه سازمان ملل به عنوان پناهگاهی در بیت‌هامون مورد حمله ارتش اسرائیل قرار می‌گیرد و ۱۶ زن و کودک کشته و ۲۰۰ نفر دیگر زخمی می‌شوند.

سرانجام، کسی باید یادآوری کند که این گونه خشونت وحشتناک در طی ۶۷ سال گذشته به تکرار رخ داده است. ریشه مساله اشغال سرزمین‌های فلسطینی‌ها از سوی اسرائیل، ساختن شهرک‌ها و وادار کردن صدها هزار نفر به خروج از خانه‌های خود است. این طولانی‌ترین اشغال در تاریخ مدرن است و به مدت ۶۷ سال دوام آورده است. این اشغالی است که به یک سامانه آپارتاید و تبعیض تبدیل شده است. بدون حل این مشکل، بدون پایان دادن به اشغال و سامانه آپارتاید، هیچ صلح و ثباتی یا زندگی عادی وجود نخواهد داشت. وقتی فلسطینی‌ها برای آزادی خود مبارزه میکنند، تنها به آینده خود آها مربوط نیست، بلکه به آینده اسرائیل هم مربوط است. چون اسرائیلی‌ها مادامی که منطقه از بنیادگرایی رها نشود، آزادنیستند. نظام سرمایه‌داری، از جان‌ها و محله‌های فلسطینی به عنوان منطقه آزمایش اسلحه‌های خود استفاده می‌کند، چنان که امروز می‌توانند در سطح جهانی اسلحه بفروشند و اسرائیل هم به سومین صادر کننده بزرگ نظامی در جهان تبدیل شود. این امر باید متوقف شود. (مصطفی برغوثی)

اسرائیل کشوری با حدود ۷ میلیون جمعیت در حقیقت چیزی به جز یک پادگان نظامی برای حفظ منطقه نیست. این کشور با این جمعیت که بیشتر آنها مهاجرانی هستند که در سال‌های اخیر به آن کشور آمده‌اند اما از نظر تسلیحات نظامی با هیچ یک از کشورهای منطقه قابل مقایسه نیست بیش از یک میلیون نفر از یهودیان در دو دهه اخیر پس از فرو پاشی بلوک شوروی به آن کشور مهاجرت کردند.

اما این کشور با این چنین جمعیتی و با داشتن مساحت بیست و یک هزار کیلو متر، دارای ۶۲۰۰ زره پوش است. جالب است بدانیم که ایران با ۸۰ میلیون جمعیت و با مساحتی نزدیک به ۹۰ برابر اسرائیل دارای ۵۰۰۱ زره پوش است. علاوه بر آن این کشور دارای دو بیست کلاهک اتمی است که تنها نیروی اتمی در منطقه است و به هیچ کشور دیگری در منطقه اجازه داشتن سلاح اتمی را نمی‌دهد. (چنانکه بمباران نیرو گاه اسیراک در عراق در زمان صدام حسین و مرکز اتمی سوریه در چند سال پیش در همین رابطه بود)

(۴)

سطح جهان شده است. ما در باره ۱.۸ میلیون نفر محاصره شده از دریا، هوا و زمین صحبت می‌کنیم. اسرائیل تمام گذرگاه‌ها را کنترل می‌کند، اسرائیل آسمان و دریا را کنترل می‌کند. ماهی‌گیرها اجازه ماهی‌گیری در عمق بیش از سه مایلی در داخل دریا را ندارند.

۹۰ درصد آب غزه مناسب نوشیدن نیست چون یا شور است یا آلوده. بیش از ۳۰۰.۰۰۰ نفر تمام ذخیره آب خود را به خاطر نابودی لوله‌های آب در اثر پرتاب توپ‌های اسرائیل از دست داده‌اند و وقتی کارگرها برای تعمیر آن‌ها تلاش می‌کردند، مورد تیراندازی ارتش اسرائیل قرار گرفتند.

برق هم مشکل عظیمی در غزه است. بیشتر اوقات، اکثر مردم بیشتر از شش تا هشت ساعت در روز برق ندارند. امروز، بیش از یک سوم مردم اصلا برق ندارند چون اسرائیل تنها کارخانه برق غزه را بمباران کرده است. به خاطر محاصره، ۹۰ درصد جوان‌های تحصیل کرده بیکارند. به خاطر محاصره، سطح فقر در غزه بسیار بالاست، این امر با قیمت گران کالاها که از اسرائیل آورده می‌شود توأم است. محاصره‌ای این چنینی به عنوان اقدامی تجاوزکارانه تلقی می‌شود. خاطر نشان کردن آن واقعیت به سیاست‌مدارهای جهان بسیار مهم است که در سال ۱۹۶۷، اسرائیل اظهار داشت که حق حمله به مصر، سوریه، اردن و مردم فلسطین و اشغال تمام ساخل غربی، اورشلیم شرقی، نوار غزه، بلندی‌های جولان، و کل صحرای سینا را دارد چون ارتش مصر گذرگاه ایلات، بندر کوچکی در بخش جنوب اسرائیل را مسدود کرد، اسرائیل هنوز دسترسی کامل به دریای مدیترانه را داشت، با این حال آن‌ها این عمل را اقدامی تجاوزکارانه تلقی کردند که به آن‌ها حق انجام یکی از بدترین جنگ‌های خاورمیانه را می‌داد. به این خاطر است که فلسطینی‌ها می‌گویند آتش‌بس کافی نیست، بر چیدن محاصره غزه هم بسیار مهم است، چون خود محاصره اقدامی تجاوزکارانه است. این، یک جنگ نیست، اقدامی تجاوزکارانه از سوی قدرت اشغال گری است که برای حل مشکل اشغال با افزایش اشغال تلاش می‌کند.

اکنون کشتار باز هم به ساحل غربی گسترش یافته است که اسرائیل تیراندازی به اعتراض‌های مسالمت‌آمیز را با گلوله‌های سنگین پاسخ می‌دهد. در جریان تظاهرات مسالمت‌آمیز در ساحل غربی، ۲۱۱ فلسطینی با گلوله‌های جنگی تیر خوردند. در طی مسیر چهار ساعت، شش نفر چشم خود را از دست دادند، شش نفر دیگر به شدت زخمی شدند و یک نفر جان خود را از دست داد. روز بعد، ارتش اسرائیل، با استفاده از گلوله‌های واقعی، ۹ فلسطینی را که به صورت مسالمت‌آمیز در هبرون، نابلس، بتلهم و حنین تظاهرات می‌کردند کشت و ۶۰ نفر زخمی شدند. این فهرست ادامه دارد. افرادی که در ساحل غربی کشته می‌شوند، عضو حماس و در غزه

<http://homayun.org/?p=44185>

۳- نگاه کنید به اطلاعیه جبهه خلق برای آزادی فلسطین: پرچم سفیدبلند نخواهیم کرد

۴-(منابع نشریه المانی فوکوس - روزنامه انتخاب ۹۱/۷/۵)

با همه این احوال شاهد آن هستیم که اسرائیل دیگر از نظر مردم دنیا و مردم منطقه مشروعیتی ندارد و دیر یا زود خواهد فهمید که تنها سلاح‌های کشتار جمعی نمی‌تواند امنیت را برای آن دولت به ارمغان آورد هم چنان که کل نظام سرمایه‌داری از بحران‌های آتی در وحشت است. اسرائیل نیز با نظام سرمایه‌داری حامی او به زباله‌دان تاریخ سپرده خواهد شد. ولی چه بسا با این وضعیت موجود نظام سرمایه‌داری مجبور شود برای بیرون بردن خود از زیر ضرب اعتراضات فرزند دردانه، خود را قربانی کند. این امر بستگی به مبارزات مردم منطقه و وحدت نیروهای کارگری و انقلابی در سال‌های پیش رو دارد که افق روشن آن هم اکنون می‌تواند قابل مشاهده باشد.



منابع :

مقاله مصطفی بر غوثی نویسنده فلسطینی / مقاله مایر شالو یکی از شناخته‌ترین نویسندگان و ژورنالیست‌های اسرائیلی که برای روزنامه ی یدیوت آهارونوت می‌نویسد. شالو که در سال ۱۹۴۸ - سال تاسیس دولت اسرائیل - در شمال اسرائیل زاده شده است، در رمان «مادر بزرگ من و چارو برقی آمریکایش» در باره ی زندگی خانواده اش در اسرائیل

می‌نویسد، www.akhbar-rooz.com

http://iichs.org/index.asp?id=871&doc_cat=1-1

۲- در این مورد می‌توانید به مقاله تحقیقی کانون مدافعان حقوق کارگر در باره جنبش زحمتکشان فلسطین مراجعه کنید

<http://pflp.ps/english/2014/08/03/pflp-we-will-not-raise-the-white-flag-in-the-face-of-massacres/>



اطلاعیه جبهه خلق در منطقه غزه پرچم سفید بلند نخواهیم کرد...

و خون‌های ریخته شده در شهر رفح و غزه، مشعل‌های راه
آزادی ما خواهند بود.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین با کمال افتخار و سرور خبر قهرمانانه و مسرت بخش عظیمی را به اطلاع همگان می‌رساند، این عمل خارق‌العاده در شرق شهر رفح انجام گرفت که موجب کشته شدن تعداد زیادی از سربازان صهیونیست و به اسارت در آمدن یک افسر گردید، جبهه خلق تاکید می‌کند که جنایات‌های مستمر صهیونیست‌ها در منطقه غزه و آخرین آن قتل عام ده‌ها نفر که در شهر رفح شهید شدند، خون‌شان هدر نخواهد رفت، بلکه خون‌های ریخته شده ملت ما، به مثابه مشعل‌های فروزان و جاودانه‌ای خواهند بود که راه آزادی را برای ما روشن نگاه خواهند داشت.

جبهه خلق روشن نمود که دشمن جنایتکار و صهیونیستی، از قبل خود را برای کشتار مردم بی‌دفاع شهر رفح آماده کرده، در حقیقت به جنگی بی‌حد و مرز و وحشیانه علیه ملت بزرگ فلسطین دست یازید، جنگی که هیچ دلیلی برایش وجود نداشت، این گونه جنایات صهیونیست‌ها، از ابتدای اشغال سرزمین فلسطین ادامه داشته است، تنها فرقی که می‌توان برای این مرحله از جنگ بربرمنشانه صهیونیست‌ها قائل شد، همانا شکست تلخ آنها در برابر ضربه‌های کوبنده مقاومت است، دست یازیدن دشمن به قتل عام شهروندان بی‌دفاع، زنان، سالمندان و کودکان دلیل آشکاری بر درماندگی و سر در گمی پی در پی آنان است، از طرفی جبهه تاکید دارد که عمل قهرمانانه به اسارت گرفتن افسر صهیونیست در قبل از زمان شروع آتش بس انجام گرفته است (اوباما در صحبتی اظهار داشت که اسارت افسر اسرائیلی در زمان اجرای آتش بس بوده لذا مقاومت باید افسر اسیر را آزاد کند، توضیح جبهه خلق در مورد اسیر به این دلیل است).

جبهه خلق، همچنین اعتماد و اعتقاد خود را به گروه‌های مختلف نظامی مقاومت که در غزه می‌رزمد و دستاوردهای آنها ابراز داشته و تاکید کرد که تهدید اشغالگران مبنی بر اشغال شهر رفح، کوشش نومیدانه‌ای است برای توجیه شکست‌های مفتضحانه خود، در مقابله با عظمت قهرمانی‌ها و فداکاری‌های نیروهای مقاومت، جبهه روی این موضوع تاکید کرد که مقاومت آماده است تا در صورت اقدام اشغالگران برای تسلط بر شهر رفح، با تمام امکانات خود به مقابله برخاسته، نه تسلیم خواهد شد و نه اجازه خواهد داد که شوکت و هیبت مقاومت خدشه دار شده و نه پرچم سفید را بالا خواهد برد و تصمیم قاطع دارد که از این نبرد پیروز و سربلند به در آید و ما به وارد آوردن ضربه و شکست بر هیبت سرباز صهیونیستی شکست ناپذیر، ادامه خواهیم داد. (اصطلاح "ارتش شکست ناپذیر" لقبی بود که دولت اسرائیل به ارتش خود داده بود، اما در جنگ ۳۳ روزه حزب الله و اسرائیل، دندانه‌های نیش و پیش این سگ‌ها کشیده شد).

جبهه خلق دعوت خود را از اهالی غرب اردن مجدداً ابراز داشته و از آنان خواست که در گیری‌های خود را در مناطق مختلف، با اشغالگران صهیونیستی گسترش داده و از ملت فلسطین که در سراسر دنیا پراکنده‌اند و همچنین ملت‌های عرب و همه آزادیخواهان جهان خواست که به ضرورت و اهمیت کمک به مقاومت فلسطین در لحظه فعلی پی برده، به خیابان‌ها سرریز شوند و سفارتخانه‌های دشمن صهیونیستی را محاصره و خواستار طرد سفیران اسرائیل گردند.

جبهه خلق همچنین از رهبری فلسطین خواست که به فوریت و بدون آوردن هر عذر و بهانه‌ای "اتفاقیه رم" را امضا و برای محاکمه سران رژیم اشغالگر، نسبت به جنایاتی که نسبت به ملت فلسطین در غزه مرتکب می‌شوند، در دادگاه جنایات بین‌المللی اقدام نماید، جبهه تاکید نمود که با وجود وضعیت موجود، هیچگونه عذر و بهانه‌ای برای تاخیر در این موضوع وجود ندارد و عدم اقدام به این وسیله قانونی به این معنا می‌باشد که این رهبری همدست و شریک در تجاوزات صهیونیست‌ها است.

جبهه خلق، به مقاومت و پایداری فرزندان ملت فلسطین از شهر رفح تا بیت حاتون، و همه آنهايي که مورد تعرض یک جنگ وحشیانه قرار دارند، درود فرستاد و از آنان خواست که بر مقاومت، صبر و پایداری خود افزوده و اینکه پیروزی به طور حتم فرا خواهد رسید.

آرزوی یک دولت واحد برای طبقه کارگر فلسطین و اسرائیل

شهنواز نیکوروان

نمی‌توان پنهان شد از جیغ‌های کودکانه،

اندام پاره پاره شده‌ی نوزادان از خمپاره،

تن‌های کوچک شکسته از آجر؛

آشوب می‌گیرم از تماشای این همه،

شرمسار از انسان بودن و یهودی بودن هر دو؛

در عذاب از کشمکش درونی میان وفا و هویت

با این همه من نخست موجودیت خود را به انسان بودن خود وام دارم

و سپس به قبیله‌ام.

باید بر خونی که از آن من نیست، شیون کنم.

(درنستاین / ترجمه مجید نفیسی)

شصت و هفت سال اشغال و مبارزه‌ی زحمتکشان فلسطین به مرحله‌ای تعیین‌کننده رسیده است. نه دیگر سرکوبگران توانایی مرعوب کردن دارند و نه سرکوب‌شدگان خیال تسلیم. اسرائیل برای فرار از توافق صلح که باید در اوایل ۲۰۱۴ صورت می‌گرفت با درگیری‌های ساختگی خواست از زیر بار آن به در رود. اسرائیل می‌خواهد همیشه در یک جنگ دائمی باشد تا بتواند از غنایم مالیات‌دهندگان امریکا و اروپا استفاده کند که بالغ بر بیلیون‌ها دلار است. مقاله‌ی ناتن درال از مسوولین ارشد نهاد بحران بین‌المللی که در روزنامه نیویورک تایمز در تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۴ با عنوان "چطور غرب گزینه جنگ در غزه را برگزید" گویای واقعیتی انکارناپذیر است. (۱)

از زمان اشغال فلسطین تا به امروز بیش از هزاران مورد اعمال خشونت مستقیم و غیرمستقیم از طرف اسرائیل به مردم غزه ثبت شده است، کشتارهای صبرا و شتیلا، حمله به کمپ‌های پناهندگان فلسطینی در کشورهای منطقه، ترور رهبران فلسطینی، قتل در خیابان‌های کرانه‌ی غربی و غزه، از ربودن فعالین اجتماعی و رفتارهای تحقیرآمیز در جامعه و شلیک در هر زمان و به هر کس در مناطق ایست بازرسی.

تنها با مطالعه‌ی گزارش گلدستون (تحقیقی در ۴۵۴ مورد جنایاتی که در طی حمله‌ی سال ۲۰۰۹ اسرائیل به غزه رخ داده و سازمان ملل نیز آن را جنایت جنگی اعلام کرد) و همین‌طور نگاهی به کتاب رئیس‌جمهور سابق امریکا جیمی کارتر، "صلح نه آپارتاید"، (که در سال ۲۰۰۶ به چاپ رسیده است) می‌توان تا حد بسیار کمی به عمق فاجعه پی برد. مردم فلسطین در تمامی این سال‌ها در راهروهای دادگاه‌های بین‌المللی علیه جنایات اسیر بوده‌اند و تا به امروز یک بار هم نتوانسته‌اند این جنایات را به محکمه بکشانند. میدل ایست مانیتور (نظارت بر خاورمیانه) که نهادی بین‌المللی است، در سال ۲۰۱۳ تحقیقی به عمل آورد که نشان می‌داد در سیزده سال گذشته، هر سه روز یک بار، یک کودک فلسطینی توسط نیروهای اسرائیل کشته شده است. (۲)

فلسطینی که مستعمره اسرائیل است را باید بهتر شناخت. اسرائیل کشوری است که حتی مناطق اردن، سوریه و لبنان را هم در اشغال دارد. اسرائیل همیشه از این ترفند استفاده کرده که فلسطینیان ما را به رسمیت نمی‌شناسند در صورتی که این اسرائیل است که فلسطینیان را به رسمیت نمی‌شناسد. فقط کافی است که گوشه‌های از تفاوت زندگی اسرائیلیان در سرزمین فلسطین را بررسی کرد. نزدیک به پانصد هزار خانه‌ی غیرقانونی برای یهودیان در مناطق فلسطینی ساخته شده است. در صورتی که فلسطینیان حتی برای ساختن خانه در فلسطین هم باید از اسرائیل اجازه بگیرند که در کرانه باختری فقط ۴۰ درصد درخواست‌ها مورد قبول واقع می‌شود. بسیاری از یهودیان که در این خانه‌ها زندگی می‌کنند به اذیت و آزار فلسطینیان می‌پردازند و هیچگاه پلیس اسرائیل شکایت آنها را نمی‌پذیرد. حتی در زمان مذاکرات هم ۱۴۰۰۰ خانه توسط اسرائیل ساخته شده است. فلسطینیان بدون اجازه اسرائیل حق سفر ندارند. نزدیک به ۵۴۲ ایست بازرسی وجود دارد. آب برای فلسطینیان جیره‌بندی است و در غزه و کرانه باختری برق نیز جیره‌بندی است و در غزه فقط روزی هشت ساعت برق هست. (۳)

اگر روزگاری فیلم‌های هالیوودی، فرار بزرگ استیو مک کیون در ۱۹۶۳ برای فرار از اسارتگاه‌های نازی می‌خواست نشان دهد که فرار و راه‌یابی، بخشی از مبارزه در زمان جنگ است، امروزه وضعیت مردم فلسطین برای حفر تونل‌ها امری ضروری برای ادامه زندگی در غزه است. در جایی که مردم فلسطین از چهار طرف محاصره هستند و نمی‌توانند ابتدایی‌ترین وسایل زندگی را تهیه کنند، راهی جز زدن تونل برای ادامه زندگی ندارند.

امروز استفاده از این تبلیغ که تونل‌ها صرف کارهای نظامی می‌شود همان‌قدر مسخره است که هیاهوی تبلیغاتی برای ارسال تجهیزات به آن منطقه توسط حکومت ایران.

استیون هاوگینگ، برجسته‌ترین فیزیکی‌دان جهان، رسماً دعوت رییس جمهور اسرائیل را برای شرکت در کنفراسی در اسرائیل رد و آن را بایکوت کرد و دلیلش را همبستگی با دانشگاهیان فلسطینی اعلام نمود. به رسمیت شناخته شدن عدالت برای فلسطین توسط یکی از معروف‌ترین دانشمندان جهان، سبب تقویت کمپین تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و بایکوت {BDS} (۵) شده و این کمپین می‌رود تا بستر اصلی مبارزات روشنفکران فلسطینی شود.

بررسی مبارزه‌ی سیاسی مردم کشورهای منطقه به خوبی نشان دهنده‌ی این ادعاست که هیچ قدرتی به طور واقعی حامی مردم فلسطین نبوده و در واقع در اصل به فکر منافع خود بوده اند. در نتیجه مردم منطقه به این امر آگاه شده‌اند که حمایت از مبارزات مردم فلسطین را باید خود بر دوش بکشند. اکنون نیز یک ماه از حمله‌ی زمینی، هوایی و دریایی به مردم بی‌دفاع و بی‌پناه فلسطین می‌گذرد، شورای امنیت و هیچ سازمان حقوق بشری عملاً به حمایت این مردم بی‌دفاع بر نمی‌خیزد. گویا همه منتظر نابودی این مردم هستند. اما امروز دیگر فشار برای مردم چاره‌ای نگذاشته جز این که از حد اعتراض فراتر بروند. امروز اعتراضات خود مردم فلسطین و اسرائیل که به زخمی شدن صدها نفر و دستگیری هزاران نفر در اسرائیل انجامیده، جای طفره رفتن را از نهادهای بین المللی گرفته است.

تنها مروری بر گزارش‌های منتشر شده از اعتراضات مردم اسرائیل علیه این نسل‌کشی می‌توان فهمید که مردم اسرائیل بیشترین ترس را از آینده دارند. (۶)

هر روز مردم سراسر جهان به اشکال مختلف، مخالفت خود را با این قتل و عام فریاد می‌زنند. نویسندگان، هنرمندان، فعالین سیاسی و اجتماعی، گروه‌های ضد جنگ و بخشی از اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری پیشرو که تا حدودی مستقل از دولت‌ها عمل می‌کنند، سازمان‌های کمک رسان و ...

در این شرایط حساس، مردم جهان خواهان به رسمیت شناخته شدن حقوق و موجودیت مردم فلسطین هستند و مردم اسرائیل نیز همانند مردم فلسطین خواهان صلح و آرامش برای خود، کشور و مردم فلسطین هستند. مردم دنیا خوب می‌دانند اتحادیه اروپا برای فروش سلاح‌های خود به بازار نیاز دارد. به نظر می‌رسد درک متقابل مردم از یکدیگر، نیازمند دولتی سکولار است که از منافع مردم در هر دو کشور حمایت کند و جلوی جنگ و خون‌ریزی بیشتر گرفته شود. با اطمینان می‌توان گفت نه دولت اسرائیل و نه دولت و نیروهای حاکم بر فلسطین جز به منافع خود نمی‌اندیشند و از تشکیل چنین دولتی که حاصل تفاهم مردم دو کشور باشد، جلوگیری خواهند کرد. کشورهای فروشنده سلاح نیز

به نظر می‌آید منسوب کردن تمام فعالیت‌های نظامی انجام شده در منطقه تنها به حماس و تبلیغ وسیع رسانه‌ای این مساله هدف خاصی را دنبال می‌کند: این که **چپ حتا به عنوان دشمن هم نباید مطرح شود، نباید نقش فعال مردم و مبارزه‌ی آزادیبخش آنان دیده شود.** بر اساس آمارهای موجود ۳۲ درصد فعالیت‌های نظامی در منطقه علیه اسرائیل مربوط به حماس است، ۲۷ درصد به فتح و بقیه نیز از آن پی اف ال پی (گروه جرح حبش) و دیگر گروه‌های چپ می‌باشد و بسیاری از این فعالیت‌ها به هیچ وجه سازماندهی از بالا نبوده و بسیاری از این تحرکات، اقدامات جداگانه و حتا شاید فردی باشد. اصل مبارزه نشان داده که در صورتی که به خانه شما حمله می‌شود حق دفاع از خود را دارید. شرایط مردم فلسطین مانند کسی است که راهزنان به خانه‌اش ریخته‌اند و خانواده‌ی او را در زیر زمین حبس کرده‌اند. شاید بتوان گفت بوجود آمدن حماس از دیدگاه رهبران اسرائیل علامت مثبتی بود برای کشاندن این درگیری‌ها به درون فلسطینیان و دامن زدن به اختلافات برای به هدر بردن انرژی آنها و فراموش کردن اشغالگر، ولی پایین آوردن سطح تحلیل تا این حد نشان از عدم شناخت شرایط تاریخی و سیاسی منطقه است.

آغار مذاکرات اسلو در ۱۹۸۷ و امضای قرارداد در ۱۹۹۶ نشان داد که مردم فلسطین عملیات نظامی را دیگر به عنوان یک ابزار واحد قبول ندارند و ابزارهای دیگری را به کار می‌گیرند که در این پروسه بوجود آمده اند مانند "تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و بایکوت" که یکی از این ابزارهاست و مشکلات اساسی برای دولت امریکا و اسرائیل بوجود آورده است.

چرا که تحریم اسرائیل شاید در آینده نه چندان دور، گریبان امریکا را هم بگیرد. تفاوت حمایت اروپا و امریکا از اسرائیل در این است که مردم اروپا در چند هفته گذشته نشان دادند که سیاست دولت‌هایشان را قبول ندارند ولی رسانه‌های امریکا با یک نظرسنجی از مردم فهمیدند که وضعیت خراب است. مقاله دوم آگوست اکونومیست این زنگ خطر را به صدا در آورد و نشان داد که نسل جوان و جدید هفت میلیون یهودی در آمریکا در سیاست در کنار جوانان فلسطینی امریکا هستند. آنان به ایده‌ی "یک دولت" اعتقاد دارند و شاید در آینده نتوان روی آنها حساب کرد که مخارج کمپین انتخاباتی احزاب دمکرات و جمهوریخواه را بپردازند. اسرائیل دیگر نمی‌تواند به راحتی در رسانه‌های امریکا دست اول را داشته باشد. بسیاری از یهودیان نسل جدید با پرداخت تبلیغات بر روی بنرهای شهرهای مانند بوستون اعتراض خود را نشان می‌دهند. (۴)

از زمان انتخابات سال دو هزار و شش فلسطین، شرایط زحمتکشان بسیار تغییر کرده و مبارزات تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و بایکوت دیگر حتی تاثیر خودش را در امریکا هم به جا گذاشته است.

خواستار ممنوعیت فوری نقل و انتقال سلاح به طور مستقیم یا غیر مستقیم به منطقه هستیم."

کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا (ETUC) (۸) در بیانیه‌ی خود ضمن محکوم کردن کشتار غیرنظامیان در غزه، اعلام می‌کند کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا، امروز برای آتش‌بس فوری در غزه و اسرائیل، خروج نیروهای اسرائیلی از غزه و یک شروع جدید برای مذاکرات صلح فراخوان می‌دهد. همچنین دبیرکل این اتحادیه گفت:

"مارپیچ خشونت بی‌پایان به نظر می‌رسد." "اما جامعه بین‌المللی باید برای پایان دادن به خشونت و تلاش جدی برای پیدا کردن یک راه حل سیاسی مسالمت‌آمیز تاکید کند." وی می‌گوید: "تحریک حماس و پرتاب موشک به سوی اسرائیل، حمله‌ی زمینی، دریایی و هوایی ارتش دفاعی اسرائیل به سوی مردم غیرنظامی غزه را توجیه نمی‌کند. تعداد کشته‌شدگان غزه رو به افزایش است و مردم خانه‌هایشان را از دست داده‌اند، دسترسی به آب و برق برای ساکنان غزه صفر است و راهی برای فرار ندارند."

همچنین از شعارها و اقدامات ضد یهودی در برخی از نقاط اروپا انتقاد کرده و می‌گوید: "کسانی که خواهان صلح عادلانه در شرق هستند، باید با تبعیض و نژادپرستی مخالف باشند. یک راه حل صلح‌آمیز نمی‌تواند با نفرت به ارمغان آورده شود." در این بیانیه اضافه شده که مذاکرات صلح باید همراه با متوقف کردن شهرک‌سازی اسرائیل در کرانه باختری باشد.

کنفدراسیون کارگران افریقای جنوبی (COSATU) بیانیه‌ای بسیار مترقیانه در محکومیت اسرائیل منتشر کرده و حمله اسرائیل به فلسطین را آپارتاید می‌داند و آپارتاید را در هر جا که اتفاق افتد، جنایت علیه بشریت می‌داند و می‌نویسد: "اگر آپارتاید ما را خشمگین نکند، انسانیت ما زیر سوال است و اخلاق ما توخالی است." همچنین می‌پرسد: ۶۰ حمله هوایی به مردم بی‌دفاع غزه را چگونه باید توجیح کرد؟

در بخشی از این بیانیه حمایت همه جانبه‌ی خود را از بیانیه {ANC} African National Congress که در سال ۲۰۱۲ در حمایت از مردم فلسطین منتشر و خواهان تحریم اسرائیل شده بود، مجدداً اعلام می‌کند و خواهان تحریم اسرائیل برای جلوگیری از جنگ و خونریزی علیه مردم فلسطین است و در بخش دیگر چنین می‌نویسد: "اسرائیل تنها به این دلیل قادر به

چون منافع خود را در خطر می‌بینند، با این امر مخالفت خواهند کرد. اما فقط یک دولت غیردینی که حامی منافع مردم زحمتکش هر دو کشور باشد، می‌تواند صلح و رهایی را برای مردم به ارمغان آورد. اندیشه ایجاد یک دولت که حاصل انتخاب مردم دو کشور است، را باید به شعار اصلی تبدیل کرد. وجود ملت اسرائیل، تحت حاکمیت دولت اسرائیل بعد از ۶۷ سال که از شکل‌گیری کشور اسرائیل می‌گذرد، امری واقعی و بدیهی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت اما این به معنای تایید و پذیرش حکومت نژادپرست اسرائیل نیست، بلکه به این مفهوم است که وجود مردم را نمی‌توان نادیده گرفت و لازم است مردم اسرائیل و فلسطین برای منافع مشترک با دشمن مشترک مبارزه کنند. و در این میان حمایت و همبستگی کارگران سراسر جهان با کارگران و زحمتکشان فلسطین می‌تواند بسیار مهم و تاثیرگذار باشد.

با نگاهی اجمالی به تظاهرات و بیانیه‌های مردم سراسر جهان می‌توان با صراحت ادعا کرد که مردم درد مشترک دارند و خوب می‌دانند که جنگ برای مردم حاصلی جز نابودی ندارد. همراه با اعتراضات در سراسر جهان، اتحادیه‌های کارگری نیز به حمایت از مردم فلسطین در سراسر جهان اعلام موضع کرده‌اند.

کنفدراسیون اتحادیه بین‌المللی کارگران جهان (ITUC) (۷) ضمن بیان این که اسرائیل مناطق مسکونی و غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی را بمباران و موشک باران می‌کند و این جنگ علیه مردم فلسطین است، از شورای امنیت سازمان ملل درخواست آتش‌بس فوری می‌کند.

در این بیانیه نوشته شده کارگران و خانواده‌های آنها در حال جمع‌آوری و پیوستن به صدای اعتراض جهانی علیه این قتل و عام هستند و خواستار مذاکره فوری، آتش‌بس و پایان دادن به محاصره ۱.۹ میلیون نفر ساکنان زندانی غزه می‌باشند. در این بیانیه آمده: "ما همچنین با جامعه‌ی بین‌المللی برای ارائه کمک‌های انسان دوستانه ضروری و مورد نیاز به غزه، از جمله غذا، آب، کمک‌های پزشکی و ژنراتور تماس گرفتیم. با این حال، تنها راه موجود برای صلح پایدار و برای پایان دادن به اشغال و محاصره سرزمین‌های فلسطینی درک متقابل میان مردم اسرائیل و فلسطین است."

آی تی یو سی از تمام دولت‌ها می‌خواهد برای کمک بی‌درنگ و مذاکره برای آتش‌بس اقدام نمایند و اعلام می‌کند حمله به غیرنظامیان خلاف قوانین بین‌المللی است و در بخشی از این بیانیه می‌نویسد که "ما از سازمان ملل برای داشتن مسئولیت و عدالت حمایت می‌کنیم و

ارتکاب این همه جنایات بی‌رحمانه است که مجوز ایالات متحده، اتحادیه اروپا و متحدانش را دارد."

کنفدراسیون جهانی کارگران بخش مواد غذایی (IUF) نیز با بیانیه‌ی آ‌ی تی یو سی اعلام همبستگی کرده و از شورای امنیت سازمان ملل درخواست آتش‌بس فوری برای جلوگیری از جنگ و خونریزی و ارسال کمک‌های فوری بشردوستانه به غزه شده و اعلام می‌کند باید فشارهای بین‌المللی تازه‌ای به اسرائیل برای پایان دادن به اشغال کرانه غربی صورت گیرد و راه‌حلی برای احترام به قطعنامه ۱۹۶۷ و مرزهای تعیین شده در آن برای دو کشور اسرائیل و فلسطین پیدا کرد.

کنفدراسیون جهانی کارگران نفت و شیمی (all Industri global union) و کنفدراسیون حمل و نقل بین‌المللی {ITF} (۹) نیز خواستار پایان دادن به کشتار و قتل عام زنان و کودکان فلسطینی توسط اسرائیل شده و از شورای امنیت سازمان ملل درخواست کردند تا فوراً جلوی بمباران و خونریزی را بگیرد و برای مردم صلح و امنیت را حاکم کند. در بیانیه این دو اتحادیه خواستار آتش‌بس فوری و کمک‌های فوری بشردوستانه به غزه با فشارهای جدید بین‌المللی به اسرائیل برای پایان دادن به اشغال کرانه غربی و پیدا کردن یک راه حل و احترام به مرزهای تعیین شده در سال ۱۹۶۷ بین دو کشور اسرائیل و فلسطین برای رسیدن به صلح پایدار شده است. در پایان بیانیه کنفدراسیون جهانی کارگران نفت و شیمی چنین آمده: "ما شانه به شانه با خواهران و برادران اتحادیه‌های کارگری، برای جایگزین کردن صلح به جای خشونت، خون و اشک، ایستاده‌ایم."

بر طبق گزارش اکسفام "در غزه، زیرساخت‌های غیرنظامی حیاتی مانند سیستم‌های آب، فاضلاب و خدمات بهداشتی و درمانی به شدت آسیب دیده است. زندگی ده‌ها هزار نفر از شهروندان اسرائیلی توسط افزایش حملات راکتی از غزه تحت تاثیر قرار گرفته، ساختمان‌های ضربه‌پذیر و مدارس و امکانات دیگر بسته می‌شوند. جامعه بین‌المللی لازم است برای رسیدن به یک صلح پایدار و عادلانه برای تمام فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها کوشش کند تا امنیت و توسعه به ارمغان بیاورد. دولت اسرائیل باید محاصره غزه را به پایان برساند، محاصره‌ای که در واقع مجازات کل جمعیت غیر نظامی این منطقه است. در حال حاضر هفت سال است که غزه در محاصره است. این محاصره اقتصاد غزه را ویران کرده است به طوری که بسیاری از افراد می‌خواهند غزه را ترک کنند، اما قادر به ترک غزه نیستند. بسیاری از خدمات ضروری مانند بهداشت و درمان و آموزش و پرورش، برای مردم محدود شده و ارتباط فلسطینی‌ها با یکدیگر قطع شده است. بیش از ۴۰ درصد از مردم در غزه بیکارند (نزدیک به ۵۰ درصد از جوانان در حال حاضر بیکارند) و ۸۰ درصد از مردم کمک‌های بین‌المللی را دریافت می‌کنند. بسیاری از صنایع کلیدی

مانند صنعت ساخت و ساز، به علت عدم امکان ورود مواد ضروری به غزه نابود شده است. در حال حاضر کمتر از ۳ درصد از محصولات کشاورزی و کالاهای دیگر نسبت به سطح قبل از محاصره، به کرانه غربی صادر می‌شود و صادرات به اسرائیل به طور کامل ممنوع است. مردم محاصره شده برای جابجایی کالا متکی به تونل‌های زیرزمینی به مصر بودند و بسته شدن تونل‌ها توسط دولت مصر در میانه سال ۲۰۱۳ به شدت وضعیت انسانی در غزه را بدتر کرد. کمبود سوخت، قطع برق روزانه ۱۲-۱۶ ساعت در شبانه و روز - دایر بودن بیمارستان‌ها، مدارس و کسب و کارهای کوچک نیازمند تلاش زیادی است. شبکه‌ی آب‌رسانی و سیستم‌های فاضلاب اغلب از بین رفته است."

قطعنامه کنفدراسیون بین‌المللی معلمان (۱۰) این گونه شروع می‌شود: "هدف قرار دادن مدارس تحت عنوان استفاده از موسسات آموزش به عنوان پوششی برای اقدامات نظامی، غیراخلاقی است."

در بیانیه ۶ ژانویه کنفدراسیون بین‌المللی معلمان که پیش‌تر منتشر شد، از بمباران مداوم در هر دو حوزه اظهار تاسف شده و توقف فوری تمام اقدامات خشونت‌آمیز خواسته شده است: "تاریخ به ما می‌آموزد که خشونت، خشونت تولید می‌کند. ایجاد یک محیط صلح‌آمیز در جامعه فلسطین و اسرائیل از طریق ادامه خصومت و پرخاشگری می‌تواند به وجود بیاید."

کنفدراسیون بین‌المللی معلمان نیز از بیانیه‌ی (آ‌ی تی یو سی) که در آن درخواست آتش‌بس فوری شده حمایت کرده و سازمان‌های عضو EI را برای کمک‌های بشردوستانه برای مردم غزه تشویق می‌کند:

"اسرائیل کشوری که با اشغال و حمایت کشور انگلیس و امریکا بوجود آمده و در حال حاضر بیش از ۸ میلیون جمعیت دارد که ۷۵/۳ درصد یهودی و ۲۰/۷ درصد عرب می‌باشند و بر اساس شواهد، مردم با یکدیگر مشکل ندارند و در کنار هم زندگی می‌کنند اما دولت اسرائیل هر چند وقت یک‌بار به دلایل واهی دست به کشتار مردم بی‌دفاع فلسطین می‌زند و این جنگ دولت اسرائیل جز درد و رنج نتیجه‌ای ندارد. اکنون نیز برای چندمین بار با سلاح‌های پیشرفته اقدام به قتل و عام مردم بی‌دفاع کرده و آنان را از خانه و سرزمین‌شان می‌رانند. اکنون در سراسر دنیا مردم در کنار مردم فلسطین ایستاده و با آنان همدردی کرده و دردشان را در خیابان‌ها و میدانی فریاد می‌زنند."

شاید اسرائیل با فشار جهانی و استقامت فلسطینیان مقداری عقب‌نشینی کند و حاضر شود نیروهای خود را از منطقه خارج کند. دلیل این امر را می‌توان در مقاله اکونومیست (۱۱) بهتر دید:

قطعنامه‌ای هم در کنگره امریکا برای حمایت از اسرائیل و عدم دخالت خارجی در این مساله با حمایت ۴۰۱ نماینده و مخالفت یک رای به تصویب رسیده است. در اسرائیل بودجه ای تصویب شده تا در دانشگاه‌ها مبارزه اینترنتی علیه مخالفان اسرائیل به راه اندازند و از داوطلبان بخواهند از طریق وبلاگ‌نویسی در یک جنگ دیگر شرکت کنند. بسیاری از نهادهای یهودی در امریکا برای حمایت از اسرائیل در مقابل مسلمانان امریکایی از کلیساهای پروتستان کمک می‌خواهند. این گزارش می‌افزاید که "از طرفی واضح است، نفرت و بیزاری در اروپا نسبت به اسرائیل فراتر از فقط اعتراض با صدای بلند است. بسیاری از اسرائیلی‌ها فکر می‌کنند که دیگر نمی‌توانند بر افکار عمومی در اروپا حساب کنند و به میزان کمتری در امریکا و سیاست‌مداران دموکرات دیر یا زود احساسات مردم را دنبال خواهند کرد."

مشاهده می‌شود که تعداد و شدت تظاهرات علیه جنگ اسرائیل رو به افزایش است و نتیجه‌ی ترس از "مشروعیت زدایی" است. نقش کمپین "تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و بایکوت" (۱۳) امروز بیش از هر چیز در گرو اتحاد بیشتر جنبش زحمتکشان جهان است و تبدیل شدن این کمپین به یک خواست سراسری می‌تواند دولت اسرائیل را بیش از پیش به صورت یک دولت منفور در سطح جهانی در آورد و این پروسه تنها یک راه را در مقابل زحمتکشان فلسطین قرار می‌دهد که همانا تشکیل یک جامعه عاری از آپارتاید باشد.

جنبش کارگری ایران بیش از هر زمانی خود را در کنار مردم زحمتکش فلسطین می‌بیند. بوجود آمدن یک دولت در این منطقه که عاری از ایدئولوژی مذهبی باشد، خواست مردم فلسطین و اسرائیل است.

نسل جدید زحمتکشان دیگر نمی‌تواند به شعارهای خالی و غیرعملی دو دولت اعتماد کنند. وجود ده‌ها هزار شهرک یهودی در دل جامعه‌ی فلسطین دیگر مجالی برای دو دولت نگذاشته و اگر سران اسرائیل به فکر این بودند که "با آمدن یهودیان به منطقه، فلسطینی‌ها منطقه را ترک خواهند کرد"، واقعیت نشان داد که این خیالی باطل بوده است و پناهندگان فلسطین در کمپ‌های پناهندگی در کشورهای مجاور هیچگاه آرزوی بازگشت را از دست نداده‌اند. همانند بسیاری از مهاجرین جنگی حمله عراق به ایران، که به دیگر شهرهای ایران مهاجرت کردند و بعد از جنگ به خانه‌های خود بازگشتند.

کارگران ایران هم در کنار کارگران جهان برای یاری رسانی به مردم غزه خواهند بود و در حد امکان در این راه قدم بر می‌دارند.

نشریه اکونومیست در دوم آگوست می‌نویسد: بر اساس گزارش‌ها "دولت اسرائیل مشروعیت خود را در نظر مردم دنیا از دست داده، تظاهرات‌های ضد اسرائیل از ورشو، که بیشترین حامیان یهودیان را دارد شروع شده و شعار "اسرائیل دولت تروریستی است" رشد کرده است. ۹۵ درصد شعارهای تظاهرات ربطی به یهودیت ندارد و بسیاری از رسانه‌ها کشتار کودکان و زنان را در غزه نشان می‌دهند. نشریه اکونومیست همچنین می‌نویسد: "اسرائیل دیگر محبوبیتی در جهان ندارد و جایگاهش در نظر مردم دنیا منفی چهل درصد است. اگر زمانی بسیاری از جوانان یهودی برای گذراندن تابستان آرزوی سفر به کمپ‌های کپوتز را داشتند، اما امروزه فقط یهودیان فقیر اروپایی آرزوی گذراندن تعطیلات خود را در این کمپ‌ها دارند. بسیاری از یهودیان اروپایی دیگر نیز می‌دانند که نمی‌توانند روی حمایت عمومی مردم در اروپا حساب کنند. نهادهای مالی بسیاری که اوراق بهادار در رابطه با اسرائیل داشتند، اوراق خود را فروخته‌اند و بسیاری همکاری اقتصادی‌شان را در بخش‌های اشغالی با اسرائیل قطع کرده‌اند. از زمان اجلاس مبارزه با نژادپرستی در افریقا، قطعنامه نژادپرستی بسط یافته و صهیونیسم مترادف با نژادپرستی شده است."

این مقاله تحلیلی نشان می‌دهد که چگونه در رابطه با اسرائیل، از لحاظ نسلی حتی میان امریکاییان شکاف ایجاد شده است. "نسل جوان یهودی و فلسطینی مقیم امریکا موافق ایجاد "یک دولت" هستند و جریانات چپ یهودی و مسلمانان طرفدار "بایکوت، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم" هستند. "چرا که بحث بر سر این است که "مبارزه با بنیادگرایی و تروریسم در فلسطین، با هدف گرفتن حمایت بیشتر از اروپائیان برای اسرائیل است." ۱۷.۵ بلیون شکل (واحد پول اسرائیل) در سال برای امنیت اسرائیل خرج می‌شود در صورتی که در بودجه رسمی اسرائیل تنها ۱.۶ بلیون در سال برای این مساله منظور شده است.

این گزارش نشان می‌دهد که "روحیه ضد یهودی در اروپا رشد کرده، احتمال حمایت بیشتر جوانان شمال افریقا از مردم فلسطین وجود دارد." از لحاظ آمار جمعیتی یهودیان امریکا: "هفت میلیون یهودی - امریکایی شاید خواستار دو دولت باشند، ولی جریانات دست راستی در اسرائیل قبول نمی‌کند." گروه لابی (رایزن) داویش (۱۲) که در دفتر اواما از سال ۲۰۰۸ تاسیس شده است نیز بسیار نگران هستند. "در سایت این گروه آمده است که باید تغییرات ملیتی یهودیان در اسرائیل را هم در نظر گرفت. در این رابطه اکونومیست اشاره می‌کند: "یکی از مشکلات اسرائیل در حال حاضر یک میلیون روسی می‌باشند که از سال ۱۹۹۰ به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند و این گروه بیشتر تحت تاثیر پوتین هستند تا یهودیان اروپایی در اسرائیل."

زیرنویس و منابع:

- ۱- http://www.nytimes.com/2014/07/18/opinion/gaza-and-israel-the-road-to-war-paved-by-the-west.html?_r=1
- ۹- (International Transport Workers Fedration)
- ۱۰- Education International (EI)
- ۱۱
- ۱۲- <http://www.economist.com/news/briefing/21610312-pummelling-gaza-has-cost-israel-sympathy-not-just-europe-also-among-americans>
- (J Street, a doveish group)
- (گروه داویش از حامیان مالی کاندیدهای ریاست جمهوری امریکا هستند و بین سی تا چهل درصد کمک مالی کاندیدهای دمکرات‌ها و بین ۱۵ تا ۲۰ درصد کمک مالی برای کاندیدهای جمهوریخواهان فراهم می‌کنند.)
- ۱۳- <http://forward.com/articles/dovish-lobbying-1309>
- ۱۴- [/set-to-debut-group](http://set-to-debut-group)
- ۱- <https://www.middleeastmonitor.com/news/middle-east/6185-one-palestinian-child-has-been-killed-by-israel-every-3-days-for-the-past-13-years>
- ۲- <http://www.newrepublic.com/article/118846/israel-palestine-history-behind-their-new-war>
- ۳- <http://www.adsagainstapartheid.com/boston-boycott-divestment-and-sanctions-movement>
- ۴- <http://www.theguardian.com/world/2014/aug/06/gaza-israel-movement-that-dare-not-speak-its-name>
- ۷- [International Trade Union Confederation](http://www.internationaltradeunionconfederation.org)
- ۸- ETUC – European Trade Union Confederation

هیچ چیز اینجا دیده نمی‌شود فقط یک فلسطینی دیگر که کشته شده است، بگذرید.

"Nothing to see here.. just another dead Palestinian.. keep moving. "

به همان اندازه که دولت‌ها از اقدامات عملی برای پایان دادن به کشتار مردم غزه و فلسطین خوداری می‌کنند، مردم جهان به شکل‌های گوناگون اعتراضات خود را به کشتار مردم در غزه و جنایات اسرائیل نشان می‌دهند. در عکس زیر، یک دختر امریکایی فعال صلح به چشم می‌خورد که به شکل فردی اعتراض خود را به کشتار مردم در غزه و بی‌عملی دولت مردان نشان داده است.

در یادداشتی که در کنار او به چشم می‌خورد نوشته شده: هیچ چیز اینجا دیده نمی‌شود فقط یک فلسطینی دیگر که کشته شده است، بگذرید.



جنبش زحمتکشان فلسطین برای استقلال

این مقاله حدود چهار سال پیش توسط بخش تحقیقات بین‌الملل کانون مدافعان حقوق کارگر تهیه شد که در نوع خود برای آگاهی هر چه بیشتر کارگران در ایران از مبارزات کارگران در کشورهای مختلف ضروری به نظر می‌رسید. اکنون که بار دیگر سرزمین‌های اشغالی مورد تهاجم قرار گرفته است مرور مجدد این تجربیات می‌تواند در رساندن آگاهی در باره زمینه‌های این تهاجم موثر باشد.

در چند سال گذشته، تبلیغ بیش از اندازه در باره "آنچه به عنوان کمک به مردم فلسطین داده شده است" نوعی بدبینی و عدم اعتماد به مبارزات به حق مردم فلسطین را در میان برخی از اقشار مردم و زحمتکشان ایران به وجود آورده است. این بدبینی تا به آنجا پیش رفته است که در جریان حوادث یک ساله گذشته، شعار "نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران" یکی از شعارهایی بود که مطرح شد. اما اینکه چنین کمک‌هایی چگونه بوده و یا اساساً به دست مردم رنج‌دیده فلسطین رسیده است، موضوع بحث‌های فراوان است. اگر نگاه کنجکاوانه و دقیقی به وضعیت کارگران و جنبش کارگری فلسطین داشته باشیم، درمی‌یابیم که کارگران، مردم زحمتکش و مبارزات آزادیبخش فلسطین برای استقلال و خودمختاری فلسطین، سهم‌چندانی از این کمک‌ها دریافت نکرده‌اند.

با توجه به اینکه منافع کارگران در سراسر جهان یکی است و امروز مبارزات مردم فلسطین، پاشنه آشیل سرمایه‌داری غرب است و تلاش می‌کنند تا آن را با تروریسم بنیادگرا درهم آمیزند، از سوی دیگر بخشی از مبلغان نظام سلطه‌گر جهانی و طرفداران وطنی آنها چنین تبلیغ می‌کنند که اسرائیل دارای حکومتی دموکراتیک است و تلاش می‌کنند که چنین دروغ‌شاداری را در هیاهوی مقابله با بنیادگرایی اسلامی به افراد بی‌اطلاع بقبولانند، ضروری دیدیم که نگاهی به این جنبش و به خصوص مسایل کارگری در فلسطین داشته باشیم و در ادامه، نهضت "بایکوت و تحریم و عدم سرمایه‌گذاری در اسرائیل" را به اجمال مورد بررسی قرار دهیم، بحثی که از جولای ۲۰۰۶ به راه افتاده است.

مقاله حاضر تلاشی است برای روشن‌تر شدن این مسایل.

کانون مدافعان حقوق کارگر

جنبش زحمتکشان فلسطین برای استقلال

شرایط زندگی و کار در فلسطین (نوار غزه و کرانه ی باختری) برای مردم بسیار دشوار است. یکی از اصلی‌ترین مسایل مردم، دشواری جابجا شدن است، چرا که بین نوار غزه و کرانه ی باختری، از لحاظ جغرافیایی فاصله است و مردم فلسطین برای جابجا شدن از یک منطقه به منطقه ی دیگر، نیاز به اجازه‌ی اسرائیلی‌ها دارند. با وجود ۶۰۰ محل ایست بازرسی، عملاً از هرگونه جابجایی جلوگیری می‌شود. این یکی از بدیهی‌ترین حقوق انسان‌هاست که ایجاد مانع در مقابل آن، ناشی از عدم به رسمیت شناختن حقوق اولیه انسانی برای فلسطینیان از طرف اسرائیل است. این جدایی جغرافیایی با دو فرهنگ سیاسی متفاوت همراه شده است. در نوار غزه گرایش‌های مذهبی طرفدار حماس رشد بیشتری کرده و در کرانه ی باختری، هنوز الفتح و گرایش‌های چپ و جنبش خلق برای آزادی فلسطین، مسلط است.

قوانین کار در فلسطین بسیار متریقی است و ۸ ساعات کار روزانه، حق بیمه بازنشستگی، برابری زن و مرد در استخدام و دستمزد و...، عدم تبعیض قومی و مذهبی، مرخصی، ایمنی کار و آموزش کار را به رسمیت می‌شناسد. یکی از پایه‌ای‌ترین قوانینی که در سال ۲۰۰۷ توسط وزارت کار تصویب شد، مساله فقرزدایی را نیز دربرداشت که تصویب آن با عکس‌العمل جدی صندوق بین‌المللی پول روبرو شد، تا حدی که آنها را از اجرایی کردن این قانون منع کرد.

کشاورزی در سطح بسیار کمی وجود دارد و دلیل اصلی آن، شهرک سازی‌های بی‌رویه اسرائیل است که زمین‌های کشاورزی و باغ‌های زیتون و سایر محصولات بومی فلسطین، در اثر آن از بین رفته‌اند. بسیاری از کارخانجات، به خاطر نبودن مواد اولیه و محدود بودن ورود آن از طرف اسرائیل، در چند سال اخیر بسته شده‌اند. بسیاری از مواد اولیه و کالاها در ایست‌های بازرسی از بین می‌روند و سرمایه دار فلسطینی ریسک و خطر از دست دادن سرمایه اش را نمی‌کند و یا به لحاظ روانی از توقف‌های طولانی در این ایست‌ها خسته شده و از خیر کار و تولید می‌گذرد. بیشتر کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که وجود دارند، تولیدات کفش و پوشاک، کارگاه‌های تولید و بسته بندی زیتون است و همچنین در بخش خدمات و داروخانه‌ها. اکثر تولیدات این کارگاه‌ها به کشورهای همسایه صادر می‌شود. شیشه‌های زیتون فلسطینی، در کشورهای آمریکایی و اروپایی، برای حمایت از مبارزات مردم فلسطین به فروش می‌رسد.

عیال‌مند که هیچ فرد رزمنده‌ای در خانواده‌شان یافت نشود، از مزیت مهم داشتن اجازه‌ی کار برخوردارند و این البته تضمینی برای داشتن کار نیست. بسته شدن گذرگاه هرچه مکررتر و هرچه درازمدت‌تر شده است.

کارگران فلسطینی که برای رفتن به سر کار خود در اسرائیل، از این گذرگاه عبور می‌کنند، آن را بین خودشان اسطبل می‌نامند. در واقع هم، این بیشتر شبیه نرده‌هایی است که گاو‌بازان درست می‌کنند تا شور و حرارت گاو را کانالیزه کرده، آن را به میدان گاو‌بازی بفرستند. این دالان حدود ۴۰۰ متر درازا و ۸ متر پهنا دارد. بر فراز دیوارهای بلند، تورهای فلزی کار گذاشته‌اند تا اندکی هوا زیر سقف شیروانی موجدار جریان یابد. در فاصله‌های منظم، چراغ‌های پر نور و پنکه‌های قوی تعبیه شده است. در ته دالان، کارگران به قفسه‌ای فلزی برخورد می‌کنند؛ یکی یکی وارد آن می‌شوند و از نرده‌ی گردان سنگینی رد می‌شوند. سپس باید مسیر مارپیچ کوتاهی را زیر چشم دوربین‌های متعدد طی کنند. صدایی خشن از بلندگو به آنان دستور می‌دهد توقف کنند، به عقب بچرخند، دستها را بالا ببرند و باز کنند، شکمشان را لخت نشان دهند، شلوارهاشان را تا ران بالا بزنند. آنها هرگز سربازانی را نمی‌بینند که در برج‌های مراقبت بتونی، پناه گرفته‌اند و به آنان، گاه به عبری و گاه به عربی مختصر دستور می‌دهند.

وقتی یک گروه تقریباً ده نفره از این گذر رد شدند، نرده‌ای اتوماتیک باز می‌شود و آنها را وارد مرحله‌ی بعدی می‌کند: گاه سگ‌های تعلیم دیده برای کشف مواد انفجاری بین آنها می‌چرخند و گاه سربازان، با دستکش‌های کشف مواد انفجاری، کلیه‌ی وسایل آنان را می‌کاوند، وسایلی که از دستگاه اسکنر نیز می‌گذرد. سرانجام باید کارت اجازه‌ی عبور درست و معتبر در دست داشت: کارتی الکترونیکی پر از اطلاعات مشخص با عکس و اثر انگشت.

گذرگاه ارتز تنها از ساعت ۲ تا ۷ صبح به روی کارگران فلسطینی باز است. اینجاست که ازدحام جمعیت آغاز می‌شود: از ۱۴ هزار کارگر که اجازه‌ی عبور در دست دارند، در بهترین حالت ۶ تا ۷ هزار نفر می‌توانند عبور کنند و بقیه ناگزیرند به خانه‌هایشان برگردند. طی دو سال گذشته، چهار بار پیش آمده است که کارگرانی از ازدحام خفه شده‌اند یا زیر دست و پا مرده‌اند.^{۳۰}

به نظر نمی‌رسد که در این ۵ سال، این سیستم تغییر چندانی کرده باشد. در خبر دیگری که در اگوست ۲۰۰۹ منتشر شد، چنین آمده است که در منطقه‌ای در دست ساخت در نزدیکی شهر عسقلان (اشکلون) اسرائیل، از آغاز امسال تا کنون، پلیس اسرائیل ۱۶ هزار کارگر فلسطینی را بازداشت کرده است. آنها برای تأمین زندگی روزانه خود و خانواده‌شان،

جمعیت نوار باختری دو و نیم میلیون نفر است که ۱۲ درصد در بخش کشاورزی، ۲۳ درصد در بخش صنایع و ۶۵ درصد در بخش خدمات شاغلند.

غزه با یک میلیون جمعیت، نیروی کاری نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر دارد که ۵ درصد در بخش کشاورزی، ۱۴ درصد در بخش صنعتی و ۸۱ درصد در بخش خدمات مشغول به کار هستند. طبق آمار دولتی، بیکاری تا ۵۰ درصد و آمار فقر تا ۷۰ درصد هم می‌رسد.

دانشگاه‌های فلسطین هر سال تعداد زیادی فارغ‌التحصیل تحویل جامعه می‌دهد که درصد بسیار کمی از آنها وارد بازار کار می‌شوند. بیکاری گاه به ۷۰ درصد هم می‌رسد. کسانی که موفق می‌شوند در اسرائیل کاری بدست آورند، از حقوق کمتری نسبت به کارگران اسرائیلی برخوردارند. هرچند طبق قانون خود اسرائیل، هیچ تبعیضی بین کارگران فلسطینی و اسرائیلی نباید باشد. با وجود اینکه چند نماینده فلسطینی در مجلس اسرائیل وجود دارد، عملاً این نمایندگان فلسطینی آن‌چنان خود را با سیستم دولتی اسرائیل هماهنگ کرده‌اند که بعضی اوقات فراموش می‌کنند نماینده چه کسانی هستند (زیرا باید صلاحیت آنان برای نمایندگی از طرف اسرائیل تأیید شود).

بیشتر کارگران فلسطینی مسلمان، در اسرائیل کارهای ساده‌ی یدی را انجام می‌دهند. حتا فلسطینیانی که در اسرائیل به دنیا آمده‌اند نیز، اسرائیلی محسوب نشده و نمی‌توانند به مشاغل اداری و سطح بالا دست یابند و حتا از حقوق اجتماعی مانند ازدواج با یهودیان نیز محروم‌اند و عدم امنیت شغلی به وضوح آنان را تهدید می‌کند. در حقیقت آنها شهروند درجه دو محسوب می‌شوند. (و قابل توجه کسانی که اسرائیل را دارای حکومتی دموکراتیک می‌دانند آنکه، در این کشور زنان حق طلاق ندارند.)

لیبراسیون در ژانویه ۲۰۰۵ در مقاله‌ای شرایط زندگی و کار کارگران فلسطینی را چنین شرح داده است:

“از ۱۰ سال پیش، شمار کارگران اهل غزه که برای کار به اسرائیل می‌رفتند، کاهش یافته است. شمار این کارگران، از ۸۰ تا ۱۰۰ هزار در آغاز سال‌های ۱۹۹۰ به ۶۰ هزار نفر بعد از آغاز اجرای قراردادهای اسلو، کاهش یافت و با آغاز انتفاضه‌ی دوم، بستن راه عبور و مرور مردم، به صورت یک ابزار سیستماتیک درآمد. از آغاز شورش در سپتامبر ۲۰۰۰ اسرائیل تمام راه‌های خروجی غزه را بسته است و تمام کارگران را، حتی آنان که در جنوب نوار یعنی در چهل کیلومتری این گذرگاه زندگی می‌کنند مجبور کرده است که از بازرسی پیچ در پیچ عبور کنند. شمار کارت‌های اجازه‌ی کار، به ۱۴ هزار کاهش یافته و تنها مردان میانسال

تبعیض جنسیتی در کرانه‌ی باختری، نسبت به نوار غزه کمتر است و زنان از آزادی‌های اجتماعی بیشتری، به‌خصوص در زمینه‌ی کار و آموزش برخوردارند. مساله کار کودکان در فلسطین به چشم نمی‌آید. بخشی از آن به خاطر کمک‌های بین‌المللی است و بخش دیگر آن نیز، به خاطر بالا بودن فرهنگ سیاسی جامعه‌ی فلسطین است. این فرهنگ بالا، ناشی از ۶۰ سال مبارزه‌ی پی‌گیر برای استقلال و آزادی است.

بعد از یازده سپتامبر، هر نوع تاکتیک مقاومتی در کشورهای پیرامونی، با انگ تروریسم روبرو می‌شود. در واقعیت امر، اگر در دهه‌ی هفتاد مقاومت مردمی در بسیاری از کشورها رشد کرده بود، در این دهه با مشکلات اساسی روبرو شد. جدا از آن، توده‌های مردم نیز دیگر به شیوه‌های انتحاری مانند گذشته چندان اعتقادی ندارند و مهم‌تر از همه اینکه، نیروهای سرکوب از لحاظ تکنیک نظامی، بسیار برتر از مخالفین خود شده بودند و با دسترسی به آخرین تکنیک‌های سرکوب، به وسیله ماهواره‌های خود کوچکترین جنب و جوش مخالفان را زیر نظر دارند و در نابودی آنان، از هر شیوه‌ای استفاده می‌کنند.

در یک دهه‌ی گذشته (بعد از انتفاضه‌ی دوم)، بر مشارکت فعال زنان و جوانان در فعالیت‌های اجتماعی تأکید بسیار شده است. البته با توجه به دو فرهنگی که در بالا به آن اشاره شد، وضعیت زنان در نوار غزه و کرانه‌ی باختری، متفاوت شده است. در نوار غزه، شرایط اجتماعی مشارکت زنان رو به کاهش است، از جمله می‌توان به رشد حجاب و فاصله گرفتن از کار اجتماعی اشاره کرد. در هر دو بخش، جامعه‌ای که تا حد زیادی سکولار بوده است، رعایت مسایل مذهبی در سال‌های اخیر، رشد بیشتری یافته است.

بسیاری از کارفرماها در پرداخت حقوق با مشکل روبرو هستند، چون بخشی از محل درآمد آن‌ها، کمک‌های کشورهای غربی است و با هر نوسان سیاسی، این کمک‌ها کم می‌شود.

اتحادیه‌های متفاوتی در فلسطین فعالیت قانونی دارند، از جمله اتحادیه‌ی کارکنان بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، معلمان، اتحادیه کارگران ساختمانی، اتحادیه کارگران حمل و نقل، مواد غذایی و اتحادیه‌ی...

حدود ۲۰۰ هزار کارگر در این اتحادیه‌ها متشکل هستند. تمام این اتحادیه‌ها، در کنفدراسیون عمومی کارگران فلسطین عضو هستند و این کنفدراسیون عضو (ITUC) است. اتحادیه‌های کارگری تا قبل از انتخابات در نوار غزه و کرانه باختری، در تمام نقاط چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی، عضو داشتند؛ حتا رانندگان تاکسی که بیشترین نیروی کار را در غزه و کرانه‌ی باختری دارند، اتحادیه داشتند.

ناگزیرند در شهرک‌های اسرائیلی با کمترین حقوق و بدون هیچ حق بیمه و... کار کنند.

عدم امنیت شغلی بخشی از عدم امنیت کلی است که در جامعه فلسطینی وجود دارد و ناشی از جو نظامی حاکم است. این فضای نظامی، به ارتش اسرائیل اجازه می‌دهد در هر زمان که اراده کند، با تانک‌های خود وارد شهر شده و هر اقدامی که بخواهد بدون هیچ منع قانونی انجام دهد؛ از به توپ بستن خانه‌های مردم گرفته تا دستگیری جوانان و فعالین اجتماعی در خانه‌های شان در نیمه‌های شب بدون حکم رسمی، احضار و اخطار کتبی و با اتهامات واهی نظیر اقدام علیه امنیت ملی و تروریسم. آن وقت ماه‌ها خانواده‌های آنان در به در باید از این اداره به اداره‌ی دیگر بروند تا کوچک‌ترین خبری از فرزندان شان بیابند. تازه اگر این اجازه را به دست آورند که از پست‌های بازرسی بگذرند. بخش دیگری از این ناامنی، ناشی از عملیات انتحاری است که در آنجا انجام می‌شود. نفوذ پلیس در برخی گروه‌هایی که این عملیات را انجام می‌دادند و اینکه خود پلیس اسرائیل به این مساله دامن می‌زد تا حقانیت خودش را برای اعمال خشونت آمیز به اثبات برساند، در گذشته وجود داشته است. البته در این چند سال اخیر این مساله کم شده است.

کسانی که به بازار کار دست پیدا نمی‌کنند، ناچار به مهاجرت به کشورهای همسایه نظیر اردن، سوریه، عراق و لبنان هستند و بخش متخصص‌تر آنان، راهی کشورهای اروپایی می‌شوند و به عنوان پناهنده یا مهاجر، در آن کشورها زندگی و کار می‌کنند.

شرایط کارگران مهاجر در کشورهای همسایه بسیار دشوار است. این کارگران در کشورهای همسایه مجبورند در کمپ‌های پناهندگی زندگی و کار کنند. شرایط زندگی در این کمپ‌ها بسیار اسفبار است.

اما کارگران فلسطینی از نظر دستمزد، در مقایسه با کارگران ایران شرایط بهتری دارند. حداقل دستمزد طبق قانون، کمتر از ۸۵۰ دلار آمریکا نباید باشد. در کرانه‌ی باختری، کارگران از نظر مسکن نیز وضعیت مناسب‌تری نسبت به نوار غزه دارند. مهاجرین فلسطینی پول‌دار، که در کشورهای اروپایی و آمریکایی زندگی می‌کنند، با سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان به آن رونق داده‌اند. در رام الله، برج‌سازی به سبک آمریکا رواج پیدا کرده است. البته برخی از این ساختمان‌ها عمر زیادی ندارند، چرا که دولت اسرائیل هر از چند گاهی برخی از آنها را با خاک یکسان می‌کند. ولی به هر حال این سرمایه‌ها به رشد اقتصاد مالی منطقه کمک کرده است.

می‌شوند، اما چارچوب بوروکراتیک و شرایط خاص NGO ها و کسب درآمد از این طریق (استخدام در NGO ها) به این بدبینی ها دامن می‌زند. این نهادها در یک پروسه‌ی طولانی، عملاً نتوانسته‌اند نمود عملی خودشان را در رابطه با کاهش سرکوب اسرائیل، به رسمیت شناختن دولت‌های فلسطینی و... نشان دهند.



نهیضت نافرمانی مدنی

(بایکوت، تحریم و عدم سرمایه‌گذاری) در اسرائیل

پس از انتخابات سال ۲۰۰۶ در فلسطین، دولت‌های غربی دولت حماس را به رسمیت نشناختند. کشورهای اروپایی و آمریکایی در انتخابات فلسطینی سرمایه‌گذاری کرده بودند تا بتوانند یک انتخابات به اصطلاح آزاد برگزار کنند تا دولتی تشکیل شود که با سیاست خودشان هماهنگ باشد، ولی نتیجه انتخابات مطابق نظر آنها نبود.

چراغی آن برمی‌گردد به ضعف الفتح و رشد بی‌سابقه‌ی کمک‌های مالی که به حماس می‌شد. این کمک‌ها توانسته بود حماس را از یک جنبش مذهبی به یک جنبش سیاسی تبدیل کند؛ به این خاطر که در بخش اقتصاد فعال شده و در این پروسه، در زمینه‌ی شوراهای محلی و اقشار پایین جامعه، فعالیت‌های آموزشی انجام داده بود. حماس در بخش شوراهای شهرداری‌ها نیز توانست بیشترین نمایندگان را داشته باشد.

رشد اقتصاد انگلی در غزه، یکی دیگر از عواملی است که شرایط کارگران را دشوار می‌کند. پول‌های هنگفتی از جانب کشورهای مختلف، مانند عربستان و کشورهای غربی و ایران، وارد اقتصاد منطقه می‌شود که عملاً خرج جذب نیرو برای گروه‌هایی نظیر امل و حماس و... می‌شود. با این پول هنگفت، اقتصاد صلواتی شده است و صرف کارهای زیربنایی و تولیدی نمی‌شود. بخشی از این پول‌ها، صرف ایجاد مهد کودک‌ها و مدرسه‌های مجانی، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌هایی می‌شود که رایگان کار می‌کنند تا نیرو و طرفدار جذب کنند. بخش دیگر، صرف تهیه انواع و اقسام سلاح‌های پیشرفته می‌شود که عملاً این سلاح‌ها، بیشتر برای درگیری‌های داخلی کاربرد دارد. نیروهای امنیتی اسرائیل، در

از سال ۲۰۰۶ به بعد، اتحادیه‌های کارگری به دوبخش تقسیم شدند: اتحادیه‌هایی که در نوار غزه فعالیت می‌کنند و آنانی که در کرانه‌ی باختری هستند. حماس کلیه‌ی اتحادیه‌های کارگری وابسته به الفتح و وابسته به جریان‌های چپ و جبهه خلق برای آزادی فلسطین (گروه جرج حبش) را در غزه ممنوع کرد و کلیه‌ی اتحادیه‌ها اسلامی شدند. این اتحادیه‌ها، بیشتر به اتحادیه‌های کشورهای اسلامی گرایش دارند، به خصوص اتحادیه‌های سوریه و لبنان، که این اتحادیه‌ها بیشتر دولتی هستند و شبیه خانه‌ی کارگر در ایران عمل می‌کنند. ولی در کرانه‌ی باختری، استقلال اتحادیه‌ها از دولت به وضوح دیده می‌شود و اتحادیه‌ها به عنوان ابزاری در دست دولت عمل نمی‌کنند.

این دو پاره شدن اتحادیه‌ها، عملاً به ضعف جنبش کارگری منجر شده است و کارگران، با وجود قانون کار مترقی، نمی‌توانند از آن حقوق و مزایایی که شامل‌شان می‌شود، به خوبی استفاده کنند. این مساله بیشتر به سود سرمایه داران است. بعد از قرارداد اسلو، قرار شد اسرائیل حق عضویت کارگران فلسطینی را به اتحادیه‌های فلسطینی بدهد. تا یک دهه، این پول بلوکه بود، ولی در یک سال گذشته این پول به اتحادیه‌های فلسطین داده شد. این مساله در میان اتحادیه‌های کارگری فلسطین مشکل ایجاد کرد. کارگران فلسطینی، با اتحادیه‌های اسرائیلی به دلیل حمایت آنان از سیاست‌های دولت اسرائیل، مشکل دارند و این مساله، همکاری این اتحادیه‌ها را مشکل می‌کند.

در کرانه‌ی باختری، اتحادیه‌های کارگری که گرایش به الفتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین دارند، آموزش‌های کار و کارگری را برای این اقشار تدارک می‌بینند، تا حدی که کارگران بتوانند تا بالاترین سطوح اتحادیه‌ها رشد کنند.

این تشکل‌های کارگری به عنوان نهاد کارگری سازمان آزادی بخش فلسطین، حزب کمونیست و جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP) محسوب می‌شوند و در خود این سازمانها، حق رأی دارند.

درواقع می‌توان مشاهده کرد که مبارزات سیاسی و صنفی در فلسطین، در هم آمیخته و به سختی می‌توان آنها را از هم جدا کرد و در بسیاری موارد، نمی‌توان آنها را از هم تشخیص داد.

نهادهای مدنی و NGO های بسیاری در این مناطق فعالیت می‌کنند. این نهادها بیشتر در زمینه‌های بررسی موازین حقوق بشر فعال هستند و مبارزه بدون خشونت را تبلیغ می‌کنند که تا حدی، از فشارهای اسرائیل بر فلسطینی‌ها کم می‌کند. آنها بسیاری از نیروهای مبارز را در خود جذب کرده‌اند. اما این امر، باعث بدبینی بسیاری از مردم به خود مبارزین و این نهادهاست. این نیروهای مبارز با نیت کمک، وارد این سازمان‌ها

اسکان آنان، شهرک‌سازی‌های غیر قانونی همچنان ادامه داشته و گسترش می‌یابد.

بعد از انتخابات ۲۰۰۶ بحث بایکوت و تحریم اسرائیل در مناطق اشغالی (فلسطین) مطرح شد. نزدیک به ۱۶۰ نهاد مدنی زنان، سازمان‌های کمونیستی و یکی از شعبات اتحادیه‌های کارگری فلسطین، نهضت “بایکوت، تحریم و عدم سرمایه‌گذاری در اسرائیل” را در دستور کار خود قرار دادند.

چرا برخی از نهادهای مدنی این مساله را مطرح کرده و به راه انداخته‌اند؟ آیا “تحریم، بایکوت و عدم سرمایه‌گذاری” دراصل علیه خود فلسطین نیست؟ چرا جنبش کارگری، در ابتدا از آن حمایت نکرد؟ آیا آنها فکر می‌کردند که این کمپین، یک کمپین مجازی و اینترنتی است و می‌اندیشیدند که آیا واقعاً می‌تواند در دراز مدت، تأثیر بگذارد؟ امروز لیست‌های متفاوتی از حامیان این کمپین پخش می‌شود که نشان از تغییر این کمپین در چند سال گذشته دارد.

به نمونه‌هایی از اقداماتی که در این جهت انجام شده است، اشاره می‌کنیم:

۱۶ مارس ۲۰۰۹ شومن معروف کانال یک تلویزیون فرانسه، آرتور، با بی‌اعتنایی تماشاگران روبرو شد. وی به حمایت از اسرائیل معروف است و هر سال، برای کمک به ارتش اسرائیل، با اجرای “شو” کمک جمع آوری می‌کند. بنا به نوشته‌ی روزنامه‌ی صدای شمال، آرتور نتوانست بیش از ۳۰۰ نفر در سالن تماشاچی داشته باشد، حال آنکه نمایش‌های او معمولاً تا ۱۰۰ هزار نفر را به خود جلب می‌کرد. روزنامه‌ی یاد شده نوشته است که طرفداران بایکوت اسرائیل، تراکت‌هایی در جلوی محل نمایش پخش کرده بودند که حمایت آرتور را از اسرائیل، نشان می‌داد.

در ۲۶ مارس ۲۰۰۹ شرکت فرانسوی آلتوم از یک صندوق بازنشستگی سوئدی اخراج شد، زیرا در اشغال سرزمین‌های فلسطینی با اشغالگران همکاری داشت.

در ۳۰ مارس ۲۰۰۹ تارنمای اتاق بازرگانی فرانسه- اسرائیل، خود تحت عنوان “اسرائیل، بایکوت کسب و کار” چنین نوشت: “در سال ۲۰۰۹ صادرات اسرائیل ۱۰ درصد کاهش می‌یابد. صادر کنندگان باید خود را آماده کنند تا با کارزار بین‌المللی ضد اسرائیلی مقابله کنند.”

این میان نقش مهمی دارند و به این درگیری‌های درونی دامن می‌زنند. در انتخابات مجلس نیز، این فعالیت‌ها (جاده سازی و فراهم کردن امکانات رفاهی برای اقلیت پایین مردم) سبب شد که حماس پیروزی‌های بزرگی را به دست آورد. در برابر، الفتح به دلیل فساد برخی از اعضایش و تفرقه‌ای که بین کل حزب وجود داشت، نتوانست نیروی خود را بسیج کرده و در پارلمان موفق شود. به عنوان مثال، الفتح گاه در انتخابات در یک حوزه، سه کاندیدا داشت که امکان پیروزی‌اش را کم می‌کرد، در حالی که حماس، این سیاست را در پیش گرفته بود که در هر حوزه، تنها یک کاندیدا معرفی کند.

تا به امروز که ۴ سال از انتخابات گذشته، الفتح امیدی به پیروزی در انتخابات ندارد، زیرا می‌داند که این تاکتیک‌های حماس، هنوز کاربرد زیادی دارد. بعد از انتخابات ۲۰۰۶ جامعه‌ی فلسطین با بحران روبرو شد. این بحران به دلیل شکست در عملیات نظامی بود و رویکرد جوانان به مسایل نظامی، مانند سابق نبود. هر چقدر هم که حماس با روحیه‌ی شهید پروری و رفتن به بهشت، جوانان را تشویق به مبارزات نظامی می‌کند، خود جامعه‌ی فلسطین، با این مساله روبرو است که باید در عرصه‌ی سیاسی فعال شود و فشارهای سیاسی را بر اسرائیل افزایش دهد.

هنگامی که بحث “تحریم، بایکوت و عدم سرمایه‌گذاری” مطرح شد، انگیزه‌های برای مبارزات سیاسی در عرصه‌ی بین‌المللی ایجاد شد. در ابتدا همه واقف بودند که این مساله، چه ضعف‌هایی دارد، ولی در پروسه عمل، با بحث‌های اقناعی توانستند خیلی از مردم فلسطین را قانع کنند که این سیاست، به نفع جامعه است.

جنبش فتح، از درون با مشکلات عدیده‌ای روبرو بود و بسیاری از رهبران، از خواست‌های اولیه‌ی این جنبش، تا حدود زیادی دور شده بودند. از طرف دیگر، فتح نمی‌توانست با مساله اشغال به طور جدی مبارزه کند، اشغالی که جامعه‌ی فلسطین را به اسارتگاهی تبدیل کرده که از سال ۱۹۴۸ هر روز از طول و عرض آن کم شده است و امروز همین وسعت کم نیز، نمی‌تواند هیچ استقلالی از خود داشته باشد.

یکی از دلایل رشد نیروهای مذهبی و حماس در فلسطین، شکست مذاکرات الفتح با دولت اسرائیل و امید بیش از حد به دخالت کشورهای غربی، به‌خصوص آمریکا، برای دست‌یابی به استقلال فلسطین و بازگشت اسرائیل به مناطق ۱۹۶۷ و بازگشت پناهندگان فلسطین از لبنان و سوریه و سایر نقاط جهان به فلسطین بود. هر روز که می‌گذرد، نه تنها اسرائیل آنان را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه دولت اسرائیل همچنان به آوردن یهودیان از سایر نقاط جهان ادامه می‌دهد و برای

در ۲۲ آوریل ۲۰۰۹ کنگره‌ی سندیکاهای اسکاتلند، "تحریم، بایکوت و عدم سرمایه‌گذاری" اسرائیل را تصویب کرد.

در مه ۲۰۰۹ مدیریت جشنواره فیلم ادینبورگ انگلستان، کمک مالی سفارت اسرائیل به این جشنواره را برگرداند، زیرا اعتراضات فراوانی به این رابطه برپا شد. در همین ماه، ششمین کنگره‌ی ملی سندیکای سراسری مدیریت مدارس، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها "فدراسیون سندیکایی متحد (SNASUB-FSU)" پیشنهاد بایکوت اسرائیل را تصویب کرد. در بروکسل طرفداران طرح "تحریم، بایکوت و عدم سرمایه‌گذاری"، از بانک فرانسوی- بلژیکی دکسیا خواسته بودند درباره‌ی تأمین مالی شهرک سازی‌های اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی، حساب پس بدهد. در پی آن، ده‌ها نفر از فعالین کارزار بایکوت در "لادفانس"، محلی که مجمع عمومی سهام داران بانک در آنجا برپا بود، جمع شدند و به این مساله اعتراض کردند. در پی آن، بانک دکسیا اعلام کرد که دیگر به نهادهای تحت تسلط اسرائیل وام نخواهد داد.

در اواخر ماه مه، کارزار اعتراضی برای برچیدن تبلیغات توریستی اسرائیل در متروهای لندن باعث شد که مدیریت مترو این تبلیغات را حذف کند. فعالین بایکوت با ارسال نامه و با تلفن، مراتب اعتراض خود را نشان دادند.

در ۳۰ مه ۲۰۰۹ هشتمین کنگره‌ی ناحیه‌ی ای سندیکای ت. ژ. ت. کارکنان آموزش و پرورش شمال فرانسه، به بایکوت اسرائیل در زمینه‌های اقتصادی، دانشگاهی، فرهنگی، ورزشی و سرمایه‌گذاری، رأی موافق داد. کنگره از ت. ژ. ت. خواست تا زمانی که سندیکای کارگران اسرائیلی (هستدروت) سیاست استعماری اسرائیل را محکوم نکرده، رابطه‌ی خود را با آن قطع کند و با سندیکاهای فلسطینی رابطه برقرار نماید...

در ۷ جون ۲۰۱۰ جنبش اتحادیه کارگری فلسطین که یکی از اعضای کمیته ملی طرح "بایکوت، تحریم و عدم سرمایه‌گذاری" در اسرائیل است، طی بیانیه‌ای از کارگران بندر و باراندازها در جهان خواست تا در پاسخ به قتل عام کارگران و فعالان صلح در کشتی ماریا، تجارت دریایی اسرائیل را بایکوت کنند. در این اطلاعیه، حمله نظامی اسرائیل به کشتی حامل کمک‌های غذایی و دارویی به ساکنان غزه و کشتار صلح دوستان، محکوم شده و با اشاره به تجربه‌ی همکاری بین‌المللی تمام آزادیخواهان جهان در مقابله با آپارتاید آفریقای جنوبی، خواهان چنین همکاری در مقابله با آپارتاید اسرائیل شد و محاصره‌ی مدام غزه را، بر مبنای ماده‌ی ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو، جنایت علیه بشریت دانست. این بیانیه با امضاهای زیر منتشر شد: فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری فلسطین (PGFTU)،

اتحادیه عمومی کارگران فلسطین، فدراسیون اتحادیه‌های کارگری مستقل، انجمن حرفه‌ای فلسطین، جنبش کارگران جوان (فتح)، دفتر مرکزی برای جنبش کارگران (فتح)، گروه کارگران پیشرو، گروه مبارزه کارگران، فدراسیون اتحادیه‌های کارگری اساتید و کارکنان دانشگاه، جبهه آزادی کارگران، گروه جبهه کار، سازمان همبستگی کارگران، سازمان کارگران مبارز (که شامل سندیکاهای ملی مهندسی، مهندسان پزشکی، پزشکان، دندان پزشکان، داروسازان، وکلا و دام پزشکان است).

رویتر در مقاله‌ای در تاریخ ۲۷ می ۲۰۱۰ می‌نویسد که کارخانجات اسرائیلی، به دلیل نهضت بایکوت، در حال رفتن به اردن هستند، جایی که می‌توانند حقوق ۴۰ دلار در روز بپردازند که کمتر از حداقل دستمزد کارگر فلسطینی است. با چنین ترفندهایی از سوی اسرائیل، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که طرح "تحریم، بایکوت و عدم سرمایه‌گذاری در اسرائیل" چه تأثیری بر زندگی کارگران فلسطینی دارد؟ آیا به واقع کمکی به حال آنان است؟

از سوی دیگر می‌توان این سؤال را نیز مطرح کرد که ظرف این چند سال، چه میزان کالاهای اسرائیلی در فلسطین تحریم شده است؟ یعنی خود مردم فلسطین، دیگر آن‌ها را مصرف نمی‌کنند؟ عملاً این مساله امکان ناپذیر است، زیرا اکثریت قریب به اتفاق کالاهای موجود در بازار فلسطین، اسرائیلی است و در صورت تحریم، عملاً مردم از این حداقل امکانات نیز محروم می‌شوند. به خصوص که تونل‌های زیرزمینی که کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم از طریق آنها تأمین می‌شود، مرتباً بمباران و تخریب می‌شوند.

مردم فلسطین می‌دانند که در شرایط موجود، برخی شیوه‌های نافرمانی مدنی موثر است و با استفاده از این ابزار، می‌توانند اهدافشان را به پیش ببرند. ابزاری که در عین اینکه فشارش بیشتر بر روی مردم زحمتکش فلسطین است، اما مردم اسرائیل نیز از آن صدمه می‌بینند. مردم اسرائیل در اورشلیم، تل‌آویو، حیفا و بسیاری از شهرهای دیگر، با گرفتن کمک‌های مالی اروپا و آمریکا و استفاده از آخرین و پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها، فشاری را نمی‌بینند که بر روی مردم فلسطین است و یا آن را درک نمی‌کنند.

مردم فلسطین آرزوی از بین رفتن مردم یهود را ندارند، ولی هر روز شاهد از بین رفتن مردم عربی هستند که بیشتر از ۶۰ سال است امید دارند مانند مردم دیگر دنیا، همان امکانات برابر ملی، فرهنگی و اقتصادی خودشان را داشته باشند و آن را حق خود می‌دانند.

آنها بلافاصله خواهند گفت، و به درستی، که شما یک دو روی واقعی هستید: "چرا سوربن، هاروارد یا اکسفورد را تحریم نمی‌کنید؟ کشورهای آنها در بی‌رحمی‌های بدتری شرکت داشته‌اند! پس چرا تحریم دانشگاه حيفا؟" لذا این یک هدیه به افراط‌گراهاست که می‌توانند محتوای عقیدتی تحریم را بی‌اعتبار کنند. این کار می‌تواند به کسانی که آن را بر پا می‌کنند، آرامش وجدان بدهد، اما دست آخر، این کار به فلسطینی‌ها لطمه می‌زند.

در دوران جنگ ویتنام، من متعجب بودم که چرا ویتنامی‌ها، اقدام‌هایی از نوع اقدام ویت‌نام (سازمان دانشجویان برای چپ نوین) را ارج نمی‌نهند. آنها جوان‌های علاقه‌مندی بودند، من آنها را ستایش می‌کردم و خود را به آنها نزدیک حس می‌کردم. روش رویارویی آنها با جنگ، این بود که به خیابان‌ها بریزند و شیشه مغازه‌ها را بشکنند. ویتنامی‌ها کلاً با این نوع کارها مخالف بودند. آنها غم ادامه حیات داشتند: اینکه دانشجویهای آمریکایی، از قبل آنها خوش باشند را، به سخره می‌گرفتند. آنها به سرعت دریافتند که شکستن شیشه‌ها، ایده جنگ‌طلب‌ها را تقویت می‌کند. همان طور هم شد. تاکتیکی که به آرامش وجدان فعالان اولویت می‌دهد، می‌تواند به قربانی‌ها ضرر برساند. در مقابل، ویتنامی‌ها تظاهرات زنانی را ستایش می‌کردند که در سکوت و در برابر قیرها، صورت می‌گرفت. برای آنها این نوع اقدام‌ها بود که ما می‌بایست انجام می‌دادیم. امروز هم همین طور است: اگر می‌خواهید به فلسطینی‌ها کمک کنید، به پی‌آمدهای تاکتیکی‌هایی بیندیشید که انتخاب می‌کنید. (۱)

یکی دیگر از مخالفان سرسخت کمپین "تحریم، بایکوت و عدم سرمایه‌گذاری"، اریک لی بنیانگذار لیبر استارت است (۲). وی از جنبه‌ای دیگر با این مسأله مخالف است. وی اعمال اسرائیل را، حق طبیعی‌اش برای دفاع از کشور اسرائیل می‌داند و به هیچ وجه مسأله اشغال فلسطین را مطرح نمی‌کند و حتی فراتر از سایت و وبلاگ شخصی‌اش، در نشریات غربی نیز به مخالفت با این کمپین می‌پردازد. زمانی که کنفدراسیون کارگران انگلیس، قطعنامه "بایکوت، تحریم" را در کنگره‌شان به تصویب رساند، وی در مقاله‌ای در گاردین، به نمایندگان اتحادیه‌های کارگری یاد آور شد که باید از مبارزات کارگران ایران دفاع کنند نه آنکه اسرائیل را تحریم کنند (۳). وی در حقیقت، این دو را در برابر هم قرار می‌دهد. باید به وی و دوستان‌شان خاطر نشان کرد که جنبش کارگری ایران، در کنار جنبش کارگری فلسطین قرار دارد و به هیچ وجه، این دو در برابر هم قرار ندارند که با دفاع از کارگران در ایران، به مقابله با کارگران و زحمتکشان فلسطین برویم. امروزه در هیچ کجای

حال که مردم خود فلسطین، نمی‌توانند عملاً این بایکوت را بپذیرند و در عرصه‌ی جهانی نیز، در موضع ضعف هستند چه راه حل سوم می‌توان پیشنهاد کرد که راهگشا باشد؟

در میان چپ‌های جهانی، که مبارزات کارگری فلسطین را دنبال می‌کند و خود نیز یهودی تبار هستند، دو نظر در این رابطه وجود دارد. کسانی مانند نوامی کلاین، طرفدار بسیار جدی طرح "بایکوت، تحریم و عدم سرمایه‌گذاری در اسرائیل" هستند. نوامی کلاین در تمامی برنامه‌های که بر علیه اسرائیل باشد، شرکت کرده و در حد توان، به کمپین کمک می‌کند و معتقد است تنها راه موجود در دفاع از حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها، فشار بین‌المللی بر روی اسرائیل است. وی در سایت و بسیاری از مقالاتش، به مسأله فلسطین از دیدگاه جهانی‌سازی برخورد می‌کند و معتقد است سیاست‌مداران محافظه کار جهانی، از نا امنی منطقه‌ی خاورمیانه سود می‌برند و این، به حربه‌ای برای اشغال و سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش، تبدیل شده است.

نوام چامسکی، مخالف این طرح است و در این رابطه چنین تحلیل می‌کند:

"لحظه‌ای اصول را فراموش کرده و روی تاکتیک متمرکز شویم. شما باید تاکتیکی را که شانس برای موفقیت دارد، برگزینید، در غیر این صورت، هرچه بکنید توخالی است. اگر شما تاکتیکی را جستجو می‌کنید که بتواند به نتیجه برسد، نباید صحنه نبرد مورد علاقه دشمن را برگزینید. قدرت حکومتی، خشونت را دوست دارد: آن را در انحصار دارد. فارغ از درجه‌ی خشونت تظاهرکنندگان، حکومت به خشونت بیشتری متوسل می‌شود. به این دلیل، از سال‌های ۱۹۶۰ هنگامی که من با دانشجویهای فعال صحبت می‌کردم، به آنها توصیه می‌کردم که در تظاهرات، کلاه ایمنی بر سر نگذارند. در واقع پلیس خشن است، اما اگر شما یک کلاه ایمنی را نشان دهید، پلیس خشن‌تر می‌شود. اگر شما با یک تفنگ بیابید، آنها با تانک می‌آیند؛ اگر با تانک بیابید، آنها از B52 پیاده خواهند شد: این جنگی است که شما بالاجبار در آن بازنده خواهید بود. هر بار که شما یک تصمیم تاکتیکی می‌گیرید، باید از خود سوال کنید: به چه کسی می‌خواهم کمک کنم؟ آیا در جستجوی آرامش وجدان خود هستید؟ یا سعی در کمک به مردم دارید، برای این که کاری برای آنها انجام دهید؟

پاسخ این سوال، راه به انتخاب تاکتیک‌های متفاوت می‌برد. فرض کنیم که سوال، تحریم دانشگاه حيفا باشد (به دلیل تبعیض علیه دانشجویان فلسطینی). با این نوع اقدامات، شما یک هدیه به افراط‌گراها می‌دهید.

جامعه عرب، خلاقیت و سرزندگی مبارزات کارگری، همانند کارگران فلسطین نیست (۴).

زحمتکشان فلسطین از سال ۱۹۴۸ شرایط شان نه تنها بهتر نشده است، بلکه با افت حمایت‌های بین‌المللی مترقی و چپ در این دو دهه، فشار بیشتری را تحمل می‌کنند و در این دوره از مبارزات، مشکلات شان بسیار پیچیده شده است. نباید گذاشت با شعارهای انحرافی، حمایت‌های واقعی و مردمی کم شود. آزادی و حق سرنوشت مردم فلسطین، بسیار به آزادی و حق انتخاب مردم ایران گره خورده است. در فلسطین، گرایش‌های متفاوتی همانند ایران وجود دارد، ولی باید اصول مبارزاتی کارگران را حفظ و هرچه بیشتر از آن حمایت کرد و در عمل، با گرایش‌های انحرافی که به نام کارگران و به کام دیگران است، مبارزه کرده و آنها را افشا کرد.

(۳)

<http://www.guardian.co.uk/commentisfree/2009/sep/23/israel-trade-unions-tuc-iran>

(۴)

اولین کنفرانس لیبر استارت در سال ۲۰۰۹ در شهر واشنگتن برگزار شد.

<http://blog.aflcio.org/2009/08/19/labourstart-and-the-union-movement-making-connections>

دومین کنفرانس در شهر همیلتون کانادا برگزار شد. دی ریک بلک ادر، که مسئول آن بود، در افتتاح کنفرانس لیبر استارت، در ده جولای از سولیدریتی سنتر تشکر کرد که با حمایت مالی آن‌ها، این کنفرانس برگزار شده است.

زیرنویس:

(۱)

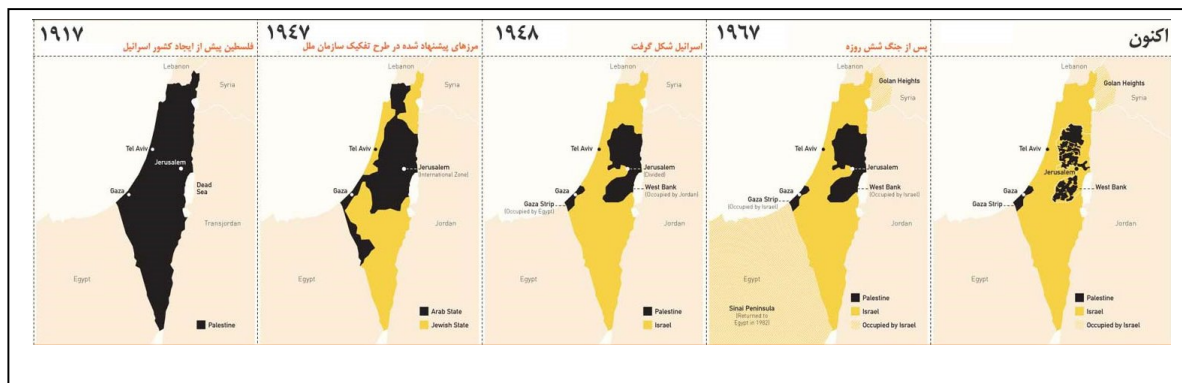
اتفاقاً جای کمپین تحریم و بایکوت، باید در سایتی مانند لیبر استارت باشد که مدعی دفاع از کارگران است. اما اکنون، این سایت تبدیل به پیش برنده‌ی سیاست‌های امریکا و سولیدریتی سنتر شده است و اریک لی، گرداننده‌ی آن که در گذشته خواهان حمایت امریکا از این سایت بود، اکنون به آرزوی خود رسیده است. در دو سال گذشته، حمایت‌های امریکا از آنان گسترش یافته است. آنها به نام کارگران، سیاست‌های امریکا را تبلیغ می‌کند.

<http://ir.mondediplo.com/article1583.html>

(۲) اریک لی در مقاله‌ای در زمان جنگ اسرائیل و لبنان، می‌نویسد چپ باید از اسرائیل در این جنگ دفاع کند.

http://www.ericlee.info/2006/07/the_left_should_be_supporting.html

نقشه کاهش مساحت کشور فلسطین و افزایش مساحت اسرائیل



با اجازه‌دادن به این کارخانه برای صادرات پهبادهای نظامی به اسرائیل، به حمایت و پذیرش مستقیم از قتل‌عام دولت اسرائیل در غزه می‌پردازد.

کارخانه «موتورآلات یو ای وی» در نزدیکی شهر بیرمنگام، در روستای شن‌استو در شهرستان استافوردشر قرار دارد. پلیس راه‌های منتهی به این دهکده را روز سه‌شنبه مسدود کرد.

به گزارش بیرمنگام میل، پلیس قول داده که به شکلی مسالمت‌آمیز این اعتراض را پایان دهد.

سال ۲۰۰۹ نیز ۲۵ عضو گروه «همبستگی با غزه» در تظاهراتی صلح‌آمیز ادعا کردند که این کارخانه به تولید تکنولوژی پهبادهای نظامی به کار رفته در حملات علیه غزه می‌پردازد.

پایگاه اینترنتی این شرکت نیز نوشته که دست به کار تولید «موتورهایی با اندازه‌های مختلف برای پهبادها» است.

روز گذشته، سه‌شنبه ۵ اوت نیز بارونس سعیده وارثی، وزیر مشاور بریتانیا در امور خارجه در اعتراض به سیاست‌های دولت این کشور در قبال حمله اسرائیل به غزه از سمت خود استعفا داد.

کارخانه موتورآلات «یو ای وی» تحت حمایت مالی شرکت البیت، شرکت نظامی سیستم‌های دفاعی ارتش اسرائیل قرار دارد.



اشغال کارخانه تولید سلاح برای اسرائیل به دست معترضان بریتانیایی

فعالان بریتانیایی هوادار فلسطین، کارخانه «موتورآلات یو ای وی» را اشغال کرده و روی پشت‌بام آن چادر زده اند.

به گزارش روزنامه انگلیسی «میرور»، نه فعال بریتانیایی از گروه «آکسیون لندن فلسطین» بامداد روز سه‌شنبه پنجم اوت، وارد کارخانه موتور آلات یو ای وی شده‌اند که به ادعای آنها به تولید سلاح برای اسرائیل می‌پردازد.

آنها ساعت پنج بامداد درهای این کارخانه را با قفل و زنجیر بستند و به پشت‌بام آن رفتند. آنها در پشت‌بام پارچه‌ای را نصب کرده اند که روی آن نوشته: «بریتانیا؛ مسلح کردن اسرائیل را متوقف کن». به گفته آنها پارچه به گردن یک فعال گره خورده و هر گونه تلاش پلیس برای پایین کشیدن این پرچم، گردن این فعال را خواهد شکست.

این نه فعال انگلیسی، خواهان آن هستند که دولت دیوید کامرون به فروش سلاح به اسرائیل پایان دهد.

سارا کوپر، معلمی در جنوب لندن که یکی از معترضان اشغال‌کننده این ساختمان است، به روزنامه محلی «بیرمنگام میل» گفته: «دولت بریتانیا



اینجا پاریس است



سرکوب تظاهرات ضد صهیونیستی در پاریس و بروکسل

اینجا فلسطین نیست پاریس است. هیچ موشکی شلیک نشده و هیچ هواپیمایی بمبی نریخته، اما هجوم پلیس است و باتوم و گاز اشک آور و آتشی که معترضان و عدالتخواهان برای مقابله با آن افروخته‌اند. **پلیس سرمایه‌داری هر جا که باشد پلیس است و عامل سرکوب،** حتا در کشور مهد آزادی: فرانسه.



جوانان فرانسوی و مهاجری که از انواع تبعیض‌ها در رنجند، درد مشترک خود را با مردم فلسطین فریاد زدند. وزارت کشور فرانسه اعلام کرده بود هر فردی که علیه اسرائیل شعار بدهد یا پرچم اسرائیل را به آتش بکشد دستگیر خواهد شد. فرانسوا اولاند گفت من بعد از بررسی‌های لازم از وزیر کشور خواسته بودم اجازه برگزاری این تظاهرات را ندهد. نباید اجازه داد دامنه این درگیری‌ها به فرانسه کشانده شود. اما به گزارش شبکه تلویزیونی فرانس ۲۴ هزاران تن در فرانسه در مخالفت با حملات زمینی اسرائیل در فرانسه تظاهرات کردند. برای ساعت‌هایی پاریس صحنه‌ی جنگ و گریز میان تظاهرکنندگان و پلیس بود. صدها نفر از تظاهرکنندگان با پرتاب بطری و سنگ به سوی نیروهای امنیتی به مقابله با نیروهای امنیتی پرداختند که با گاز اشک آور و نارنجک‌های صوتی قصد متفرق کردن آنان را داشتند. تعدادی از مردم و نیروی‌های پلیس زخمی شدند و تعدادی از معترضان نیز بازداشت شدند.



پلیس بروکسل نیز به تظاهرکنندگان ضد رژیم صهیونیستی حمله و با ماشین آب پاش آنها را متوقف کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، پلیس ضد شورش در بروکسل پایتخت بلژیک نیز با ماشین آب پاش به تجمع ضد اسرائیلی مردم حمله کرد. مسوولان بروکسل هرگونه تظاهرات علیه اسرائیل را ممنوع و آن را تهدیدی برای نظم عمومی اعلام کرده بودند اما مردم به رغم این ممنوعیت، به خیابان‌ها آمدند و مخالفت خود

وزیر دارایی اسرائیل هم هشدار داد که حتی بایکوت محدود کشورهای اروپایی می‌تواند ۵ میلیارد دلار در سال به اقتصاد اسرائیل ضرر بزند. فشار این تحریم‌ها در مذاکرات اخیر نیز احساس شد. این فشار به قدری است که نتانیاهو در سخنرانی اخیر خود در اجلاس «کمیته‌ی آمریکایی روابط عمومی با اسرائیل» (AIPAC)، که بزرگ‌ترین و قدرتمندترین سازمان هوادار اسرائیل در آمریکا است، ۲۶ بار از BDS نام برد.

سیسیلی سوراسکی (معاون مدیر «ندای یهودیان برای صلح») آوریل ۲۰۱۴

هزمونی اسرائیل خواهد بود. با این حال، با وجود موفقیت بین‌المللی BDS، تاکتیک تحریم به خوبی در خود فلسطین موفق نبوده است. واقعیت‌های منطقی پس از موافقتنامه‌ی اسلو و حقایق متعاقب آن در خود فلسطین سبب شده که ارزش‌های ملی مبارزه‌ی فلسطین در راستای مبارزه برای لیبرالیسم قرار داده شود. با این حال، محتمل است که عدم پشتیبانی داخلی از تحریم به دلیل نبود سازمان‌های محلی طرفدار تحریم باشد. علاوه بر این که محمود عباس با تحریم اسرائیل مخالف است، فلسطینی‌ها در کرانه غرب، بیت المقدس، و نوار غزه هم به لحاظ فیزیکی و هم اقتصادی اسپرند و اغلب چاره‌ای جز خرید محصولات اسرائیلی ندارند. با وجود این اسارت اقتصادی، تلاش‌های زیادی لازم است تا تحریم به فرهنگ غالب در فلسطین تبدیل شود.

هزینه‌ای که فلسطینی‌ها در سال برای اقتصاد اسرائیل می‌کنند، میلیاردها دلار برآورد شده است مبارزه و سازماندهی برای حذف محصولات اسرائیل، خصوصا آن چیزهایی که جایگزین‌های محلی دارند، می‌تواند به یک تاکتیک مقاومت مثر تبدیل شود، به این عنوان که تاثیر اقتصادی فوری در برخی از شرکت‌های اسرائیلی خواهد داشت. همچنین این امر می‌تواند با تکیه کمتر بر کالاهای اسرائیلی، سبب مشارکت در رشد خودکفایی فلسطین شود.

مقاومت فعال و غیر فعال در برابر اشغال اسرائیل

مقاومت فعال و غیرفعال در برابر اشغال اسرائیل عمیقا در جامعه فلسطین ریشه دارد. مقاومت منفعل یا استقامت، می‌تواند در فعالیت‌های روزانه فلسطینی‌ها همچون حضور در مدرسه، محل کار، زمین‌های خود، ازدواج، وضع حمل و ادامه‌ی زندگی با وجود همه‌ی توهین‌ها و تحقیرهای روزانه خود را نشان دهد، نوعی مقاومت منفعل است. مردم همچنان در انتظاری بی پایان با پست‌های بازرسی، شناسه‌های رنگی و پلاک، یا محدودیت تردد در شعاع خاص زندگی می‌کنند. مقاومت فعال به اشکال مسلحانه و غیرمسلحانه و غیر خشونت‌آمیز بوده، گر چه تا حد زیادی در دهه گذشته کاهش یافته است، به غیر از اعمال دفاع از خود

مقاومت در برابر اشغال اسرائیل می‌تواند و باید اشکال متفاوتی داشته باشد*

سوزان ابو حوا**/ برداشت و تلخیص هاله صفرزاده

هدف نهایی اسرائیل، تشکیل اسرائیل بزرگ است از مدیترانه تا رود اردن. برای رسیدن به این هدف از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند، از تخریب نظامی موسسات فلسطینی به طور منظم، اعدام‌های فرا قضائی، بازداشت‌های گسترده تصادفی، ظلم و ستم نهادینه شده در تمام جنبه‌های زندگی گرفته تا کشتار و بمباران و موشک باران مردم غزه در روزهای اخیر.

در مقابل، مقاومت و مبارزه‌ی مردم فلسطین نیز در سطوح مختلف در تمام این سال‌ها در جریان بوده است. غزه بزرگ‌ترین زندان دنیا است. بیش از یک و نیم میلیون فلسطینی اسیر در این منطقه، اکنون روزهاست که در معرض بمباران‌های هوایی و موشک باران قرار دارند. حدود ۲ هزار نفر کشته شده اند که اکثر آنان زنان و کودکان و غیرنظامیان بودند. این اعتقاد پوچی است که قدرت‌های جهان، از جمله ایالات متحده، کارگزاران صادقی برای عدالتند و می‌توانند آزادی را برای مردم به ارمغان آورند.

مبارزه‌ی طولانی در داخل و خارج از فلسطین در جریان بوده است. یورش فعلی اسرائیل در غزه، تکرار قتل‌عام‌های قبل است و شکی برای هیچ کس نمی‌گذارد که مردم تنها باید بر خود تکیه کنند. **با هر مبارزه‌ی آزادی بخش ملی، مقاومت در سطوح مختلف رخ می‌دهد** که به طور مداوم در حال پاسخ به چالش‌های همیشه در حال تحول و تغییرات سیاسی است. به هر حال **واقعیت این است که مردم فلسطین نمی‌توانند منتظر باشند تا رهبران جهان به نجات آنان بیایند.** روز به روز زمین‌های سرزمین فلسطین در حال کاهش است. استراتژی مقاومت کنونی و پیشنهادی، شامل تاکتیک‌های تحریم، مقاومت فعال در فلسطین، عملیات خرابکاری و... می‌شود.

تحریم سرمایه‌گذاری و بایکوت

تحریم سرمایه‌گذاری و بایکوت (BDS) یکی از موثرترین استراتژی‌های مقاومت فلسطینی‌ها در سال‌های اخیر بوده است. این جنبش از زمان آغاز آن در سال ۲۰۰۵ تا به امروز، به صورت تصاعدی افزایش یافته است و تبدیل به گفت‌وگو جریانی اصلی بزرگ و عمل سیاسی در سراسر جهان شده است. موفقیت آن تهدید بزرگی برای

را از حقوق و مزایای شهروندان یهودی محروم می‌کند، از جمله حق بازگشت، حق اعاده و استرداد املاک و اموال خود، خرید و یا اجاره زمین که منحصر برای استفاده یهودیان است، زندگی با همسر خود در اسرائیل اگر او تابعیت فلسطین را دارد و غیره...

این بخش از جامعه‌ی فلسطین اغلب نادیده گرفته می‌شوند. فلسطینی‌های ۱۹۴۸ مقاومت خود را که در برابر نژادپرستی نهادینه شده‌ی اسرائیل و همبستگی با مردم فلسطین را در زمان‌هایی نشان می‌دهند که اسرائیل کشتار مردم محلی را در غزه و کرانه غرب آغاز می‌کند و آنها نیز اغلب کشته می‌شوند. جدیدترین مثالی که می‌توان زد مقاومت الهام‌بخش روستاییان کفریریم (Kufr Bir'em) در استرداد و اعاده‌ی زمین‌های روستایشان است. ارتباط، هماهنگی و همبستگی متقابل با فلسطینی‌های ۱۹۴۸ ضروری است.

جبران قانونی خسارات (Legal Remedies)

گرچه اسرائیل مبارزه‌ی پوچی را علیه فلسطینیان و حامیان خارجی آنها به راه انداخته است و تلاش می‌کند فعالیت‌های سیاسی آنان را با یهودی‌ستیزی یکسان کند، فلسطینی‌ها در دادگاه‌های بین‌المللی، به اندازه کافی گزینه‌های قانونی برای پیگیری قضایی اسرائیل به خاطر اعمال جنایتکارانه‌اش را ندارند.

پس از گزارش گلدستون به شورای امنیت سازمان ملل در مورد قتل عام غزه در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹، دولت فلسطین (PA) فرصت نادری را در سال ۲۰۰۹، از دست داد تا جنایات جنگی اسرائیل به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته شود، با وجود این اشتهار آشکار دولت فلسطین، هنوز برای فلسطینی‌ها گزینه‌ی قانونی کافی به صورت پایدار باقی مانده است.

در مقاله اخیر، ریچارد فالک، استاد حقوق و گزارشگر ویژه سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد در فلسطین، مزایا و چالش‌های بالقوه‌ای برای دنبال کردن اقدامات قانونی در دادگاه جنایی بین‌المللی (ICC) مشخص شده که جنایات اسرائیل را نشانه رفته است: تخلفات اسرائیل از کنوانسیون ژنو و منشور سازمان ملل.

به گزارش فالک چالش‌ها و مشکلاتی وجود دارد. شواهد فلسطینیان پایه‌ی اتهامات جنایات آپارتاید اسرائیل است. مراجعه به (ICC) کارت برنده‌ای است در دست دولت فلسطین... بازی ممکن است با تغییر توازن نیروها در جنگ تغییر کند. برای چندین دهه است که فلسطینیان از حقوق اولیه خود در قوانین بین‌المللی محروم بوده‌اند. تماس‌های قبلی برای محاکمه اسرائیل در (ICC) وجود دارد. اما اقدامات مشخص در

که توسط گروه‌های مقاومت در غزه توسط حماس، PFLP (جبهه خلق برای آزادی فلسطین) و جهاد اسلامی انجام می‌شود، تاکتیک‌های مقاومت غیر خشونت‌آمیز، تا حد زیادی آشکار و، دارای سنت طولانی در جامعه فلسطین است. این مقاومت اشکال مختلف دارد. از جمله می‌توان به تظاهرات هفتگی علیه آپارتاید اسرائیل در پای دیوارها در بیلبین اشاره کرد.

پرتاب سنگ جوانان به سربازان اسرائیلی و ... شکلی از مقاومت بین مقاومت فعال و غیرفعال است. بسیاری اوقات سربازان اسرائیلی که کسل و بی حوصله شده‌اند، انتظار این شیوه‌ی مبارزه نمادین را می‌کشند و یا حتی به استقبالش می‌روند. و بعضا از سر نو میدی و خشم مردم شکل می‌گیرد و مقاومت استراتژیک را مهار می‌کند.

نوع دیگر مبارزه و مقاومت، خرابکاری است. بر خلاف مبارزه‌ی غیرخشونت‌آمیز، مقاومت مسلحانه و مخفی که خرابکاری گسترده نیست؛ هر جا که رخ دهد موثر است حتی اگر غیرسازمانده‌ی شده و ارتجاعی باشد. اهداف مقاومت خرابکارانه به دستگاه فشار اسرائیل، برای آسیب رساندن به زندگی در فلسطین نیست، هدف آن دستگاه بسیار وسیعی شامل زیرساخت‌های پیچیده‌ای از آپارتاید است که بومیان فلسطینی محروم را محاصره کرده است. امکانات رفاهی و تفریحی که خاص اسرائیلیان است. این ساخت‌های امنیتی شامل شبکه‌ی تار عنکبوتی از جاده‌هایی است که شهرک‌های یهودی‌نشین را به اورشلیم متصل می‌کند، همراه با شبکه‌ای از ایستگاه‌های بازرسی و موانع، دیوار بیست فوتی بتنی، برج‌های نگهبانی و سیم‌های خاردار برق دار ...

زیر زمین سیستمی از لوله‌های نهفته است که آب فلسطینیان را به سمت شهرک‌های غیر قانونی اسرائیل منحرف می‌کند. کابل‌ها و اتصالات دیگر که زیر پای مردم برای نگهداری کلونی‌های اسرائیلی که بر روی زمین‌های فلسطینی‌ها ساخته شده‌اند. این زیرساخت‌ها آزادی فلسطینی‌ها را برای حرکت و دسترسی به منابع طبیعی محدود می‌کند. اینها باید اهداف مشروع {مقاومت فعال} باشند.

مقاومت خرابکارانه می‌تواند برای نگهداری چارچوب فیزیکی آپارتاید در اسرائیل بسیار پر هزینه و ناخوشایند باشد. حداقل، فلسطینی‌ها می‌توانند موانع بدون محافظ را به جبران آنچه بر آنان گذشته، ویران کنند.

مقاومت در فلسطین ۱۹۴۸

در حالی که فلسطینی‌های با تابعیت اسرائیلی (فلسطین ۱۹۴۸) در دولت صهیونیستی حق رأی دارند، اما حداقل ۵۰ قانون نژادپرستانه آنها

(BDS) تبدیل شده‌اند و علنا علیه آن صحبت می‌کنند. (PA) نتایج انتخابات ۲۰۰۶ را رد کرد که در نتیجه‌ی آن در نوار غزه و کرانه‌ی باختری حماس جایگزین فتح شد. مردم فلسطین تمایل به ایجاد یک دولت واحد دارند که می‌تواند شامل حماس و فتح باشد. این می‌تواند در گام اول به اتحاد احزاب سیاسی منجر شود.

دولت خود مختار نمی‌تواند تحت شرایط اشغال وجود داشته باشد، در این صورت بیشتر تبدیل به یک پیمانکار فرعی اشغال می‌شود. فتح و حماس هیچ کدام نمی‌توانند به تنهایی نماینده‌ی مردم فلسطین باشند. اتحاد این دو حزب سیاسی یک گام مهم است. در گام بعدی باید احزاب دیگر فلسطینی نیز در نظر گرفته شوند و از همه مهم‌تر، صدای اقشار دیگر جامعه‌ی فلسطین، از جمله پناهندگان و مهاجران فلسطینی و فلسطینی‌های ۱۹۴۸ را باید شنید و نظرات آن را مد نظر داشت که در فضای کنونی در نظر گرفته نمی‌شوند. باید زنان و جوانان در نظر گرفته شوند. نیاز به برگزاری انتخابات ملی واقعا فراگیر نمی‌تواند اغراق‌آمیز باشد.

فلسطین در حال محو شدن از نقشه‌ی جهان است. جوامع ما در حال مرگ تدریجی و فرسایش عمده‌ی هستند و نسبت به این موضوع غفلت جمعی وجود دارد. اسرائیل همچنان در حال سرقت سرزمین، میراث فرهنگی، خانه‌ها و تاریخ ماست و مقاومت تنها دلیلی است که این پروژه‌ی استعماری هنوز ناقص است. زمان به نفع ما نیست. با این حال اصلی‌ترین قدرت ما، حقیقت مبارزه‌ی مردم با آپارتاید و استعمار و پاکسازی قومی است. تمام تاکتیک‌های مقاومت در اختیار ماست که باید آن را شناسایی کرد و قدرت بخشید.

* Resistance to Israeli occupation can and must take many forms

** سوزان ابوالحوا (Susan Abulhawa) نویسنده‌ی فلسطینی تبار امریکایی و فعال حقوق بشر. او نویسنده‌ی رمان پرفروش "صبح‌ها در جنین"، و بنیانگذار یک سازمان غیر دولتی به نام "زمین بازی برای فلسطین" است.

منبع: <https://www.middleeastmonitor.com/articles/question-writers/13156-resistance-to-israeli-occupation-can-and-must-take-many-forms>

این رابطه انجام نشده است. از سوی دیگر، در جولای ۲۰۱۴ نامه‌ای به دبیر کل سازمان، ملل بان کی مون، از طرف کارشناسان حقوقی و شبکه‌های حقوقی ارسال شد که نظر مشورتی خود را به دیوان بین المللی دادگستری (ICJ) اعلام نموده بودند مبنی بر این که ساخت و ساز اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی و جداسازی فلسطینیان با دیوارهای حایل غیرقانونی است.

راه حل‌های حقوقی نیز برای فلسطینی‌هایی وجود دارد که شهروندان دیگر کشورها هستند. ضرب و شتم اخیر شهروند قدیمی امریکا، طارق ابوخذ (Tariq AbuKhdeir) پانزده ساله توسط پلیس اسرائیل که با دوربین ثبت شده است، امکان اقامه‌ی دعوا در امریکا علیه اسرائیل را افزایش می‌دهد که بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های خارجی ایالات متحده آمریکا است. علاوه بر این، بر اساس مکاتبات خصوصی با کارشناسان حقوقی، ممکن است به صورت قانونی بتوان علیه نتانیاهو و بسیاری از وزرای اسرائیل و اعضای کنست اقامه‌ی دعوا کرد که در صحبت‌هایشان به طور آشکار خشونت، تهدید به قتل و انتقام در برابر فلسطینی‌ها وجود دارد. هیستری آنان باعث ایجاد جنجال برای ضرب و شتم وحشتناک ابوخذیر و آتش زدن و مرگ پسرعمویش محمد ابوخذیر شد. علاوه بر این ممکن است مواردی از شکایات قانونی شهروندان فلسطینی تبار امریکا در مورد اموال به سرقت رفته‌شان توسط موسسات اسرائیلی وجود داشته باشد. به این ترتیب و در نهایت جهان برای محاکمه‌ی اسرائیل و جنایات جنگی او و همدستی در این جنایات صلاحیت پیدا می‌کند. معروف‌ترین این گونه دادگاه‌ها محکومیت اگوستو پینوشه توسط یک دادگاه اسپانیایی برای جنایاتی بود که در شیلی انجام داد. به نتیجه رسیدن یا نرسیدن این اقدامات و دنبال کردن چنین راه‌هایی حداقل این ارزش را دارد که جنایات جنگی اسرائیل مورد کارشناسی حقوقی قرار می‌گیرد.

انتخابات فراگیر، برای انتخاب یک دولت واحد

فارغ از این که دولت فلسطین (PA)، یک سازمان بوروکراتیک ارتجاعی هست یا خواهد شد. ثابت شده است که او خود را نسبت به محافظت فلسطینی‌ها در مقابل ترور اسرائیل مسوول نمی‌داند همین طور قادر نیست یا تمایلی به ابتکار عمل برای پیاده‌سازی یا پیشبرد مقاومت ندارد. در واقع، هماهنگی امنیتی (PA) با نیروهای اشغالگر اسرائیل، سبب شده که فلسطینی‌ها بیشتر آسیب‌پذیر شوند، و در موارد متعدد اقدام به خرابکاری را شیوه‌ی امیدوارکننده‌ای از مقاومت در برابر اسرائیل بدانند. علاوه بر خنثی کردن گزارش گلدستون، همچنین آنها به مانعی برای موفقیت در حال رشد کمپین تحریم و بایکوت اسرائیل

اکولوژی و جنگ

سمیه صمیمی

جنگ‌ها و حملات نظامی زمانی جز استثناها بودند، اما امروزه به جزء غیر قابل تفکیک اخبار روزانه تبدیل شده‌اند. روزی نیست که خبری از بمب‌گذاری و انفجار و حمله نظامی منتشر نشود.

مواد منفجره آلاینده‌های خطرناک محیط زیست هستند، آثار آنها تا مدت‌های زیاد در طبیعت باقی می‌ماند. انفجارها باعث تغییر شکل زمین، تخریب زیستگاه‌ها، آلودگی منابع آب، آلودگی هوا و هزار موضوع دیگر می‌شوند.

در غزه هم همین طور است. بمباران و راکت باران‌ها، طبیعت و محیط زندگی را از بین می‌برند. اما به راستی این موضوع در مقابل جان و زندگی در خطر مردم چه اهمیتی دارد؟

من در مقام یک انسان، جان انسان‌ها را به مساله کیفیت زندگی‌شان ترجیح می‌دهم. آدم اول باید زنده باشد تا بعدا نسبت به کیفیت آبی که می‌نوشد اظهار نظر کرد.

اگر بشود انسان بودن و طرفدار محیط زیست بودن را از هم جدا کرد، شاید بشود برای طبیعت غزه قبل از جان انسان‌هاش اهمیت قائل بود.



از زمان توافق اُسلو در سال ۱۹۹۳، تا کنون تعداد شهرک‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغال شده‌ی فلسطین بیشتر از دو برابر شده است و امروزه چیزی در حدود ۶۵۰,۰۰۰ مسکونی اسرائیلی در کرانه‌ی غربی رود اردن و اورشلیم شرقی وجود دارد یکی از وعده‌های انتخاباتی بنجامین نتانیا‌هو، اسکان یک میلیون یهودی در «یهودا و سامره» بود.

دیوارها

دیوارهای بلندی که بخش‌های فلسطین‌نشین را از شهرک‌های یهودی‌نشین جدا می‌کند، بخشی از زندگی روزمره فلسطینیان شده است. دیوارهایی که نماد آپارتاید اسرائیل است. برای رفتن به آن سوی دیوارها باید از موانع و ایست‌های بازرسی گوناگون بگذری. مهم نیست بزرگسال باشی یا کودک یا حتا گوسفندی متعلق به فلسطینی‌ها، حضور آن سوی دیوارها بدون مجوز برای تو غیرقانونی است. فلسطینی‌ها صبح‌ها برای رفتن به سر کار و یا مدرسه باید از پیچ و خم این دیوارها بگذرند. کودکان مورد بازرسی بدنی قرار می‌گیرند و چوپانانی که گوسفندهایشان از این محدوده‌های ممنوعه عبور کنند، جریمه می‌شوند. این دیوارها عرصه‌ی زندگی و فعالیت روزانه را برای ساکنان روستاهای فلسطین تنگ و تنگ‌تر می‌کند.

به ظاهر این دیوارها روی نقشه‌ی مشخصی ساخته نشده‌اند. دیوارها راست و مستقیم کشیده نشده‌اند. عکس‌های هوایی از این دیوارها به خوبی این را نشان می‌دهد و علامت سوالی در ذهن ایجاد می‌کند، چرا؟

یکی از دلایل این مساله منابع آبی منطقه است. آبی که مایه‌ی حیات است و این دیوارها به نوعی سهم فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را از آب‌های موجود مشخص می‌کنند. چرا که آب می‌تواند یکی از عوامل فشار بر فلسطینی‌ها باشد تا آنان را وادار کنند از خانه و کاشانه‌شان کوچ کنند. روستاهایشان را ترک کنند. باغ‌های خشکیده از بی‌آبی را واگذارند تا کمی بعد، شهرکی یهودی‌نشین در آنجا سرزند و لوله‌ها و شبکه‌های آبرسانی، باغ‌های یهودیان شهرک‌نشین را آباد کند. "دیوید بنگوریان" (اولین نخست وزیر رژیم صهیونیستی) در سال ۱۹۴۱ یعنی ۷ سال قبل از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی گفت "ما باید بدانیم



فلسطین برای من بهشت است

مصاحبه با لیلا خالد *

ترجمه: علیرضا ثقفی

مصاحبه زیر توسط فرانک برات با رفیق لیلا خالد عضو دفتر سیاسی جبهه آزادیبخش خلق فلسطین در ۱۸ آوریل ۲۰۱۴ انجام و در سایت جبهه‌ی آزادیبخش خلق فلسطین منتشر شده است.

فرانک برات: حالتان چطور است؟ در امان چه می‌کنید؟

لیلا خالد: حالم خوب است. من مدت‌هاست که بخشی از مبارزه برای آزادی هستم. برای حق بازگشت و برای ایجاد دولت مستقلی به پایتختی بیت‌المقدس.

من می‌دانم که در آینده نزدیک این به دست نخواهد آمد، اما من هم چنان مبارزه می‌کنم. اینجا در امان، من مسوول بخش مهاجران و حق برگشت در جبهه‌ی آزادیبخش فلسطین هستم.

- شما یک مهاجر فلسطینی هستید. یک نفر از ۶ میلیون. آیا هنوز فکر می‌کنید یک روز بازخواهید گشت؟ و آیا می‌توانید شرایط مهاجران فلسطینی در لبنان را داشته باشید که منکر حقوق اساسی‌شان هستند و بعضی اوقات مورد انتقاد قرار می‌گیرند که سعی می‌کنند زندگی‌شان را در لبنان بهبود بخشند به گونه‌ای که ممکن است حق آنان برای بازگشت به فلسطین را تحت تاثیر قرار دهد؟

لیلا خالد: فلسطینی‌ها در کشورهای مختلف پخش شده‌اند. هر کشوری مقرراتی را برای زندگی مردم در آنجا دارد. آنهایی که در لبنان هستند در دهه‌ی هفتاد و هشتاد قرن گذشته، تا ۱۹۸۲، کسانی بودند که به مبارزه‌ی مسلحانه کمک می‌کردند. کمک‌هایی که از انقلاب دفاع می‌کرد. اسرائیل به آنجا حمله کرد و آنجا را مورد تهاجم قرار داد و بخش‌هایی از کشور را اشغال کرد. پس از ۱۹۸۲ رسالت اصلی فلسطینی‌ها به دست آوردن حقوق‌شان بود، حقوق اجتماعی و مدنی

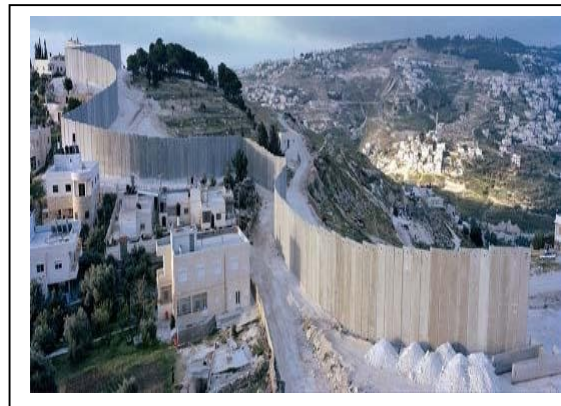
که برای حفظ بقای دولت یهودی کنترل آب‌های مرزی از جمله آب‌های روخانه اردن و لیطانی را در دست داشته باشیم."

یک گروه پژوهشی اعلام کرده است "حوزه جغرافیایی دیوار حایل، ۱۰۰ درصد سفره‌های آبی کرانه باختری را پوشش می‌دهد". اخیراً یک گروه تحقیقی دیگر نیز در دانشگاه بیرزیت BirZeit واقع در بیروت به این نتیجه رسیده‌اند که: "این دیوار تا ۶۷۰ کیلومتر گسترش خواهد یافت تا تمامی شهرها و روستاهای اطراف کرانه باختری و ۴۰ درصد از کل اراضی کرانه باختری را احاطه کند. هدف از ایجاد دیوار حایل کنترل و تسلط کامل بر آب‌های اطراف کرانه باختری است."

در حالی که فلسطینیان کرانه باختری از کمبود آب آشامیدنی رنج می‌برند ساکنان شهرک‌های یهودی‌نشین کرانه باختری شش برابر بیشتر آب مصرف می‌کنند. آنان همیشه آب کافی برای پر کردن استخرهای شنا، آبیاری چمن‌ها و مزارع گلخانه‌ای‌شان دارند.

در پنج دهه گذشته رودخانه اردن 90 درصد از جریان طبیعی آب را از دست داده است. علت این است که در مسیرهای بالادستی آب رودخانه در دریای جلیله واقع در نزدیکی ارتفاعات جولان ذخیره شده و از آنجا به شهرها و مزارع اسرائیل هدایت می‌شود.

ساکنان بسیاری از روستاها مجبورند آب مورد نیاز خود را با پرداخت هزینه‌های زیاد از تانکرهای آبی مکورت (شرکت ملی آب اسرائیل) تهیه کنند. در سال ۱۹۷۲ یعنی ۴ سال بعد از جنگ ۱۹۶۷ شرکت مکورت دو حلقه چاه عمیق در نزدیکی چشمه‌های آبی حفر کرد. باز در سال ۱۹۹۰ دو حلقه چاه دیگر به عمق ۳۰۰ متر در این منطقه توسط این شرکت حفر شد. به کمک این حلقه‌های چاه آب‌های زیر زمینی به مزارع کشاورزی صهیونیستی در اطراف راس العوجا پمپاژ می‌شود. حفر چاه در کرانه باختری توسط فلسطینیان منوط به اجازه ارتش اسرائیل است، اجازه‌ای که هرگز داده نمی‌شود.



امر مشخص است که در این موضوع اسرائیل آماده صلح با فلسطینیان نیست. آنان همچنین از این حقیقت سوءاستفاده می‌کنند که عرب‌ها مشغول بسیاری چیزهای دیگر هستند و فلسطینیان را حمایت نمی‌کنند. در چنین وضعیتی هیچ کس اسرائیل را به خاطر عدم اجرای قراردادی که امضا کرده است محکوم نمی‌کند.

همچنین کری چه می‌خواهد؟ نقشه‌ی او چیست؟ هیچ کس نمی‌داند. همه‌ی اینها حرف است. هیچ چیز نوشته نشده است. رهبری باید پیشنهادات کری را رد کند. در این صورت کری با پیشنهادات دیگری به رام اله برنخواهد گشت. چیزی که به مفهوم آن است که فلسطینیان به دنبال به کار گرفتن گزینه‌ی دوشمن خواهند بود و به سازمان ملل بازخواهند گشت. امروز در اخبار ایالات متحده دوباره گفت که ممکن است چنین حرکتی صورت گیرد. معنی این امر چیست؟

من فکر می‌کنم ما ابتدا نیاز داریم که به ماهیت دولت اسرائیل توجه کنیم. در ثانی ما باید بیشتر در باره‌ی پروژه‌ها و نقشه‌های آنها بدانیم. و در ثالث ما می‌دانیم که اسرائیل در بعضی حوزه‌ها قدرتمندتر از ماست. اما ما نیز قدرتمندیم. تمام این امر بستگی به مردم خودمان دارد. ما می‌خواهیم با این مبارزه رودررو شویم که اسرائیل در جلوی ما گذاشته است. این یک ضرب المثل انگلیسی است که می‌گوید: "وقتی که چیزی را می‌خواهی راهش پیدا می‌شود". ما هنوز معتقدیم که این حق ماست و ما برای آن مبارزه می‌کنیم. ما مبارزه کرده ایم. ما در حال مبارزه هستیم، و ما مبارزه خواهیم کرد. از یک نسل تا نسل دیگر. آزادی نیاز به مردمی قوی دارد که حرکت کنند و برای خواسته‌هایشان بجنگند. این راهی است که من فکر نمی‌کنم در حال حاضر توقف داشته باشد. امریکا همواره می‌خواهد که مذاکرات را طولانی کند. این امر کمکی نخواهد کرد.

- اگر مذاکرات صلح برای فلسطینیان به ارمغان نمی‌آورد، پس به چه درد می‌خورد؟ رهبری چه کار باید بکند؟

لیلا خالد: مقاومت. این است راهی که شما حقوق‌تان را به عنوان یک ملت به دست می‌آورید. تاریخ این را به ما نشان داده است. هیچ مردمی آزادی‌شان را بدون مبارزه به دست نیاورده اند. جایی که اشغال هست، مقاومت هم هست. این مخصوص فلسطینیان نیست. ما واقعا خواهان آن هستیم که کنفرانسی تحت حمایت سازمان ملل برگزار شود تا قطعنامه‌های صادر شده درمورد فلسطین را به اجرا در آورد. قطعنامه‌ی ۱۹۴ از اسرائیل می‌خواهد که بازگشت مهاجران را بپذیرد. بسیار خوب اجازه بدهید سازمان ملل در جایگاه خود باشد. اجازه بدهید کنفرانسی داشته باشیم که این امر را به اجرا در آورد. مساله این است که ارجاع به هر مذاکره ای که به وسیله‌ی امریکا انجام می‌شود تا آنجا که ما می‌دانیم جانب‌گیری به طرف اسرائیل است.

- سازمان آزادیبخش فلسطین برای آزادی فلسطین تشکیل شده است. آیا فکر می‌کنید مفهوم واقعی خود را از دست داده است؟ بسام شاکا در

شان که در لبنان از آن محروم بودند. این امر می‌تواند آنها را قادر سازد تا به مبارزه بپیوندند، مبارزه ای برای حق بازگشت. فلسطینی‌ها به طور کلی حق بازگشت را به عنوان یک باور و یک فرهنگ پذیرفته اند. هر فلسطینی می‌تواند به شما بگوید که برای حقوق مدنی و اجتماعی می‌جنگد، اما این به مفهوم آن است که او خودش را برای بازگشت آماده می‌کند. این دو جدایی ناپذیرند.

- مساله‌ی مهاجرت در مذاکرات، در دهه‌ی گذشته، بیش از پیش کنار گذاشته شده است. برخی به خاطر حق غیرقابل انکار و برخی به خاطر مذاکرات. بعضی تقاضاها در دور اخیر مذاکرات کری وجود داشت. نظرتان در باره‌ی آن چیست؟ فکر می‌کنید پس از ۲۹ آوریل که مذاکرات به پایان می‌رسد چگونه خواهد شد؟

لیلا خالد: جبهه آزادیبخش فلسطین و شخص من از ۱۹۹۱ مخالف مذاکرات بوده‌ایم. مساله آن است که دو حزب هیچ گاه مسلسل‌های خود را کنار نگذاشته‌اند. اسرائیل فکر می‌کند که فلسطین سرزمینی برای یهودیان تمام جهان است. فلسطینی‌ها مطمئن هستند که سرزمین متعلق به آنهاست. و آنها با زور در سال‌های ۱۹۴۷ و ۴۸ از آن رانده شدند. هنگامی که این تضاد از یک مرحله به مرحله‌ی دیگر می‌رسد دو طرف به قدرت خود تکیه می‌کنند. اما واقعیت این است که ما دارای قدرت نیستیم. (این امر غلط است) رهبری، مذاکرات اسلو را انتخاب کرده است. فکر می‌کرد که یک گام به سمت به دست آوردن حقوق اساسی فلسطینی‌هاست. بعضی مردم به آن اعتقاد داشتند اما پس از بیست سال مشخص شد که این اعتقاد بیهوده بوده است. این امر برای ما یک فاجعه به بار آورد. شهرک‌نشین‌ها بیشتر از آن موقع شد دو برابر قبل از اسلو، شمار شهرک‌نشینان دو برابر شدند، زمین بیشتری مصادره شد و البته دیوار ساخته شد. دیوار آپارتاید. اسرائیل یک دولت آپارتاید است. این مذاکرات اکنون به مفهوم آن است که به اسرائیل کمک کنید نه به فلسطینیان. ما قبلا این مساله را تجربه کردیم که منظور اسرائیل از مذاکرات چیست. اسرائیل هیچ گاه به قول‌هایش احترام نمی‌گذارد. وعده‌هایش را انجام نمی‌دهد. و به سادگی پروژه‌ی بدبختی زندگی جهنمی فلسطینیان را به پیش می‌برد. من و حزبم مخالف این دور اخیر مذاکرات هستیم. به خصوص در شرایط حاضر. امریکا حامی پروژه‌ی اسرائیل است که تنها به اسرائیل کمک می‌کند. یک توافقنامه وجود دارد که به وسیله‌ی امریکا حمایت می‌شود. این توافقنامه می‌گوید که شما باید شهرک‌سازی را در ساحل غربی متوقف کنید و ۱۰۴ زندانی باید در سه مرحله آزاد شوند. اکنون اسرائیل می‌گوید نه. ما این موافقتنامه را اجرا نخواهیم کرد. ما آخرین عده‌ی زندانیان را آزاد نخواهیم کرد. به هر ترتیب آنها که آزاد هم شده‌اند غالبا پس از مدت کوتاهی دوباره به زندان انداخته می‌شوند. این آن چیزی است که اسرائیل به آن سیاست در چرخشی می‌گوید. فلسطینی‌ها می‌گویند زندانی‌ها باید آزاد شوند. اما آنها دوباره دستگیر می‌شوند. بسیاری از آنها قبلا به زندان بازگشته‌اند. این

واقعیت پی خواهد برد که ستم‌کشان حق دارند مقاومت کنند، به هر طریقی که می‌خواهند.

هیچ کس نمی‌تواند شکل مقاومت را به ما تحمیل کند. ما مبارزه‌ی مسلحانه را انتخاب کردیم. به اهدافمان نرسیدیم. سپس انتفاضه به راه افتاد و تمام جهان جدی بودن ما را دریافت. ما حمایت سراسری مردم جهان را به دست آوردیم. هنوز ما به اهدافمان نرسیده ایم، زیرا رهبری شجاعت کافی را در هنگام گسترش انتفاضه نداشت تا آن را به سطح بالاتری ببرد. اسرائیل آماده بود تا خروج از ساحل غربی و نوار غزه را بپذیرد. اما رهبری ما، ما را شکست داد. اسرائیل بخش بیشتری از فلسطین را اشغال کرد. به این ترتیب ما تصمیم گرفتیم که سرنوشت خودمان را در دستان خودمان بگیریم.

با مبادرت به مبارزه‌ی مسلحانه. امروز مردم منتظرند اما به این واقعیت آگاهند که این مذاکرات ما را به جایی نمی‌رساند. تجربه‌ی گذشته‌ی ما با اسرائیل نشان داد که به آنها نمی‌شود اعتماد کرد. آنها برای حرف خودشان احترام قائل نیستند. همواره ما را تهدید می‌کنند. آیا ابومازن شریک صلح نیست؟ چه کسی هست؟ شارون؟ نتانیاها؟ این جبهه‌ی راست حکومت؟ این یک حکومت نیست. این گروه گانگستریست که به طور اساسی نماینده‌ی شهرک‌نشینان، فاشیست‌ها و نژادپرستان است. اشغال قرن گذشته آغاز شد. آنجا سرزمین یهودیان بود. کتاب مقدس این سرزمین را به آنان وعده داده بود. آیا این دموکراتیک است؟ جهان در سال ۱۹۴۸ این اسکان را پذیرفت. "خدا به ما وعده‌ی زمین داده است!" گویا که خدا یک عامل حکومتی است. این یک پروژه‌ی استعماری است. این مسأله‌ی اصلی تضاد است.

- مبارزه در باره‌ی خاتمه دادن به پروژه‌ی استعماری شهرک‌سازی‌های اسرائیلی است، سپس خاتمه دادن به آپارتاید، بعدا چه خواهد شد؟ به نظر شما پس از آن چه خواهد شد؟ روز پس از پیروزی؟ آیا یک الجزایر خواهید شد یا یک آفریقای جنوبی؟

لیلا خالد: ما همواره گفته‌ایم که خواهان یک جامعه‌ی انسانی تر هستیم. جایی که هرکسی بتواند در یک امکانات برابر زندگی کند. یهودیان، مسلمانان، من اصلا به مذهب اشخاص کاری ندارم. من معتقدم که انسان باید خودش باشد. انسان‌ها می‌توانند با یکدیگر زندگی کنند و در باره‌ی آینده‌ی سرزمین‌شان با یکدیگر تصمیم بگیرند. اما من نمی‌توانم بپذیرم اکنون من حق ندارم به شهر خود برگردم، همانند ۶ میلیون فلسطینی دیگر. ما اجازه نداریم به آنجا برگردیم. ما یک راه حل دموکراتیک و انسانی را پیشنهاد می‌کنیم. هیچ کس نمی‌تواند به من بگوید که ما حق نداریم در مورد سرنوشت کشورمان تصمیم بگیریم. زیرا ما مهاجر هستیم. تا آنجا که من می‌دانم آنچه بر سر ما آمد در تاریخ بی سابقه است. مردم از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند و مردم دیگری از راه‌های دور به آنجا آمدند. جای آنها را گرفتند. اسرائیلی‌ها شهروندان

سال ۲۰۰۸ به من گفت که سازمان آزادیبخش فلسطین قبل از هر چیز نیازمند آن است که به ریشه‌های خود به با یک جنبش مقاومت بازگردد. لیلا خالد: هیچ آزادی‌ای بدون مقاومت به دست نمی‌آید. حزب من هیچ تغییر نکرده است. او به برنامه‌های خود وفادار است. ما خواهان گسترش مقاومت هستیم. مردم درباره‌ی مقاومت عمومی صحبت می‌کنند. من منظورم تنها تظاهرات نیست. به کار بردن اسلحه نیز امری عمومی است. ما مردمی داریم که آماده‌ی جنگ هستند.

- مقاومت صلح آمیز و غیرخشونت آمیز، برای افرادی مثل شما که اسلحه را انتخاب کرده اند، آیا یک مفهوم آزادیخواهانه دارد؟ لیلا خالد: مقاومت بیش از یک وجه دارد. این امر می‌تواند انواع مختلف داشته باشد. غیرخشون و خشن. من مشکلی با آنانی ندارم که راه غیرخشونت‌آمیز را انتخاب می‌کنند. ما نمی‌گوییم که آزادی کشور ما تنها با مبارزه‌ی مسلحانه است. انواع دیگر مقاومت لازم است. یکی از آنها مبارزه‌ی سیاسی است. و یکی دیگر مبارزه‌ی دیپلماتیک و یکی هم مبارزه‌ی غیرخشونت‌آمیز است. ما نیازمند آن هستیم که هر چه را می‌توانیم استفاده کنیم. برای بیش از ده سال اکنون مردم ما در بین العین () نبی صالح () تظاهرات می‌کنند... به ساختن دیوار اعتراض می‌کنند و به مصادره‌ی زمین‌هایشان اعتراض می‌کنند. اسرائیل با این اعتراضات چگونه برخورد می‌کند؟ با خشونت، گاز اشک‌آور، بمب ... آیا شما فکر می‌کنید این امر قابل قبول است که یک ارتش با سلاح‌های سنگین در برابر مردمی قرار بگیرد که تنها پرچم حمل می‌کنند؟ من با همه‌ی اشکال مقاومتی که مفهوم مقاومت داشته باشد مشکلی ندارم. ما نمی‌توانیم بگوییم که مقاومت مسالمت آمیز به تنهایی سبب به دست آوردن حقوق‌مان می‌شود. ما با یک دولت آپارتاید مواجه هستیم، صهیونیسم به عنوان یک جنبش، امریکایی‌ها و به طور کلی غرب که اسرائیل را حمایت می‌کنند. هنگامی که موازنه‌ی قدرت تغییر کند، آن‌گاه ما می‌توانیم در باره‌ی مذاکره فکر کنیم.

- این امر آسان است که بر مقاومت مسلحانه تاکید کنیم، به خصوص هنگامی که مردم عادی می‌دانند که ستم‌گر کیست و ستم شونده کیست. حرکت شما در سال ۶۹ و ۷۰ در این باره بود. درست است؟ برای آنکه فلسطین را در نقشه قرار دهید. آیا فکر می‌کنید جریان آگاهی رسانی برای نشان دادن چهره‌ی دیگری از فلسطین، نشان دادن آنکه فلسطینیان از شیوه‌های مشروع استفاده می‌کنند و دارای حقانیت هستند از دهه‌ی ۱۹۷۰ تا به حال به اندازه‌ی کافی به کار گرفته شده است؟

لیلا خالد: اجازه بدهید مثالی از ویتنام بزنم. یا از الجزایر یا از جنوب آفریقا. مردم نیاز به زمان دارند تا متقاعد شوند که تمام جهان حقانیت مبارزات آنها را پذیرفته‌اند. این زمان می‌برد. در انتها جهان به این

این چنین نبود. اکنون این چنین است و باید باشد. شما می‌توانید ببینید که زنان در بسیاری از جنبه‌های مبارزه و جامعه نقش دارند. چه در داخل یا خارج از فلسطین.

- نینا مکبول که فیلم شما را به نام "لیلا خالد"، هواپیما را ساخته است، آخرین سوالش در فیلم این است که "حرکت شما بیشتر از هر چیزی به مردم فلسطین آسیب زده است؟" این فیلم درست بعد از این سوال تمام می‌شود. پاسخ شما چه بود؟

لیلا خالد: او به من گفت که این کار را برای اهداف سینمایی انجام داده است. اما من آن را دوست ندارم. واقعیت این است که مردم نمی‌توانند پاسخ مرا بشنوند. پاسخ من البته "نه" بود! اقدامات من در مبارزه، در خدمت مردم بود. ما به هیچ کس صدمه نزدیم. ما به تمام جهان اعلام کردیم که یک ملتیم که در بی‌عدالتی زندگی می‌کنیم و این که جهان به ما کمک کرد تا به هدف خود برسیم. من برای ساعت‌ها و ساعت‌ها با لینا نشستیم و داستانم را گفتم. او گفت که تلویزیون سوئد خواهان آن بود که این سوال گذارده شود.

- آیا شما گاهی اوقات به گذشته برمی‌گردید؟ چه کاری انجام شده، چه می‌توانست انجام شود، آنچه که می‌توانست متفاوت انجام شود، وضعیت فعلی را چگونه می‌بینید؟ چه چیزی غلط بوده است؟

لیلا خالد: در حال حاضر حزب من هفتمین کنفرانس خودش را برگزار کرده است و موقعیت خودش را مورد بررسی قرار داده است. ما برنامه‌ای را ارائه دادیم تا ارتباطات خود را با نیروهای پیشرو در سراسر جهان گسترش دهیم به خصوص در سطح کشورهای عربی. ما همچنین تصمیم گرفتیم که ساختار داخلی خودمان را تقویت کنیم. من همچنین آموخته‌ام که موقعیت خودم را مورد تجدید نظر قرار دهم، افکار خودم را. هر سال در دسامبر، من به سال گذشته‌ی خودم برمی‌گردم و تصمیم می‌گیرم که بعضی چیزها را برای سال آینده انجام دهم. امسال تصمیم گرفتم سیگار کشیدن را کنار بگذارم. پس آن را انجام دادم.

- مبارکه

لیلا خالد: من از قبل این تصمیم را گرفته بودم و برایم انجام آن آسان بود.

- به نظر شما، چرا فلسطین نمادی برای جنبش همبستگی شده است؟
لیلا خالد: فلسطین برای من بهشت است. ادیان در مورد بهشت صحبت کنند. برای من، فلسطین بهشت است و سزاوار است تا برای به دست آوردن آن هزینه بدهیم.

منبع:

* <https://api.soundcloud.com/tracks/143090352>
params="color=ff5500" width="100%"

کشورهای دیگر هستند. اسرائیل مدیون سازمان‌های متنوعی است که قبل از ۱۹۴۸ یک ارتش را ساختند. باشد، اما آنها جامعه نبودند. آنها مردم را از خارج آوردند. مردمی از فرهنگ‌های مختلف آمدند. بعضی از آنها حتا عبری صحبت نمی‌کنند. ما خون بیشتری نمی‌خواهیم. اما مجبوریم مقاومت کنیم. ما حق داریم در خانه‌های خودمان زندگی کنیم. هنگامی که اسرائیلی‌ها به این واقعیت برسند که این جابه‌جایی را انجام ندهند تضاد به پایان خواهد رسید. آنها راه حل ما را خواهند پذیرفت. بعضی از اسرائیلی‌ها قبلا آن را فهمیده‌اند. این که شما نمی‌توانید برای همیشه بجنگید. برای چه؟

- شما می‌توانید به ما در باره‌ی نقش زنان در مقاومت بگویید؟ و آیا شما فکر می‌کنید که حرکت شما، ربودن هواپیما در سال ۶۹ و ۷۰ کار بیشتری برای فلسطین انجام داد یا برای زنان در سراسر جهان، و یا برای هردو؟

لیلا خالد: هواپیما ربایی تنها یک تاکتیک بود. ما می‌خواستیم زندانیانمان را آزاد کنیم و مجبور بودیم که حرکتی قوی انجام دهیم.

ما خاطر نشان کردیم که به عنوان فلسطینی‌ها، فقط پناهنده نیستیم. ما یک ملتیم که اهداف سیاسی و انسانی دارد. جهان به ما چادر، لباس‌های دست دوم و استفاده شده و مواد غذایی می‌داد. آنها برای ما اردوگاه می‌ساختند. اما ما بیش از این بودیم. امروزه برنامه‌هایی برای پایان دادن به اردوگاه‌ها وجود دارد، چرا که آنها شاهد مسایل ۱۹۴۸ بودند. زنان بخشی از مردم ما هستند که همان بی‌عدالتی‌ها را احساس می‌کنند. به طوری که آنها همراه دیگران در همه‌ی امور مشارکت دارند. زنان زندگی می‌بخشند، پس آنان نسبت به مردان خطرات بیشتری را احساس می‌کنند. هنگامی که آنها درگیر مبارزه می‌شوند، بیشتر به انقلاب مومن هستند زیرا از زندگی کودکان خود دفاع می‌کنند. من به هنگام تولد دو فرزندم، بیشتر و بیشتر متقاعد شدم که آنچه من تا آن زمان انجام داده بودم، بهترین دفاع از آنها بود برای ساختن آینده‌ای بهتر برای آنها. من با زنانی که فرزندان خود را از دست داده بودند، هم‌حسی داشتم. بنابراین در پاسخ به سوال شما فکر می‌کنم اعمال و رفتار من بر هر دو تاثیر داشته است. شعار جبهه‌ی مردمی این بود: "مردان و زنان همراه هم در مبارزه برای آزادی سرزمین مان."

جبهه آزادیبخش این امر را با ارائه جایگاهی برای زنان در مبارزه به اجرا درآورد.

همزمان زنان نقش بزرگی در دفاع و در جبهه‌ی داخلی به عهده داشتند: نگهداری از خانواده‌ها. هزاران زن فلسطینی اکنون مسوول خانواده‌هایشان هستند. پس از همه‌ی جنگ‌ها، قتل‌عام‌ها، دستگیری‌ها، کشتار به وسیله‌ی اسرائیلیان، این زنان بودند که خانواده‌شان را از فروپاشی حفظ کردند. همچنین زنان اکنون تعلیم می‌دهند، کار می‌کنند، مسافرت می‌کنند، به دانشگاه می‌روند و غیره. قبل از انقلاب